

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۳

بیکار

۱۴ صفحه

تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواستهای ضد امپریالیستی توده های مردم است.

دوشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ بهاء : ۲۵ ریال

رفراندوم قانون اساسی "خبرگان"

و موضعگیری های نیروهای مختلف سیاسی درباره آن (۱)

تا سوعا و عا سورا ، فریاد مرگ بر آمریکا ، سر دادند ، و درست در لحظاتی که امپریالیسم خونخوار آمریکا ، تلاشهای مذبوحانه ای را

سرا حاکم درست در شرایطی که حروش صدامپریالیستی خلقهای ما میهن ما را به لرزه در آورده است ، درست در شرایطی که میلیونها نفر از توده ها در راه بیمائی های روز

بقیه در صفحه ۲

با ردیگر زلزله در خراسان عده ای از هموطنان ما را به هلاکت رسانید . این نیز از نتایج نظام طبقاتی که فقر و ستم را بر سمیت میثنا سید ، میبا شد . ما این ضایعه را به هموطنان مبارز مخصوص خلق ستم دیده ، نواحی زلزله دیده ، خراسان تسلیم می - گوئیم .

جنبش گاوگرمی

- سود و بیزد و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار"
- چند خبر از کارخانه "جوکا"
- حمله و حشیانه او با شان به کارگران و کارکنان "آبدرسلان" رشت
- اقدام انقلابی کارگران کارخانه آلیازاراک
- سندیکای ضد گاوگرمی شادان یورا بشناسیم

صفحه ۲



گرامی باد خاطره سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان

صفحه ۲۱

چگونه بورژوازی ، کارگران مبارز و حق طلب را تهدید میکند؟

(مروری بر پیام شورای انقلاب)

صفحه ۱۶

هشدار به تمام نیروهای انقلابی ، توده های آگاه و بویژه خلق بلوچ!

امپریالیسم و جانهای محلی در صد توطئه بر علیه خلق اند

در تلاش برای نگهداری موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و دومی در جهت حفظ وابستگی و نفوذ متزلزل شده اش به تلافی سخت و دست در دست هم برداخته اند .

بقیه در صفحه ۹

امواج نویسی و خروشان مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران ، نیروهای بقایت ارتجاعی بومی و امپریالیستهای جان نخوار را بیکیان بپهراس و وحشت انداخته است . اولی

امپریالیسم آمریکا را در هر جا که هست درهم بکوبیم

فریاد "مرک بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران" در سراسر کشور طنین انداز است . مردم ایران بدرستی مسبب اصلی سالهای طولانی رنج و غمگنان ، گشتار و سرکوب خود را در وجود امپریالیسم جهان - خوار آمریکا مجسم دیده اند و از همین روست که از هیئت حاکمه میخواهند و بر این خواسته

بقیه در صفحه ۲

صفحه ۱۴

صفحه ۱۵

صفحه ۸

صفحه ۱۲

مدنی کیست ؟ (قسمت آخر)

ریشه های بحران مسکن در ایران

جنبش دانش آموزی

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی ؟ (قسمت آخر)

مرک بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

رفراندم ...

برای محاصره اقتصادی ما و زدیدن نیروهای ملی ما انجام میدهد. قانون اساسی ای که بهیچوجه با جروس صدامیرالیستی خلق ما و پیکار آنان بر علیه امیرالیسم آمریکا ناطق ندارد. به رفرا ندیم کداسته! توده های مادرکوجه و حیایان چه میگویند و چه میخواهند. و این قانون کدائی به آنها چه می دهد؟ زحمتکشان مادرکارخانه و مررعه در دشان چیست؟ و این قانون کدام دردشان را علاج میکند؟

خلفها میگویند سلسله امیرالیست ها و قبل از همه امیرالیسم آمریکا قطع گردد. سرمایه های امیرالیست ها و یوکران داخلی آنها به نفع خلق مصادره گردد. اما قانون اساسی بهیچوجه چنین خواستی را قبول ندارد. و حتی از سر بردن اسم دشمن اصلی خلقهای ما، و بردن اسم امیرالیسم ایران را دارد!

۱۱ میلیون نفر خلقهای غیر فارسی خواستار خودمختاری هستند و با هرگونیم، تنها سرمایه ست ساختن حق تعیین سر نیست برای خلقها، میتوانستیم اتحاد تمامی خلقها اعم از فارس و غیر فارس باشد. و بدین ترتیب در انجام منافع تمامی خلقهای ایران مطرح است. اما قانون اساسی طبق اصول ۱۲ و ۱۵ و ۱۹ و ۱۰۰ و ۱۰۳ این حق را برای ۱۱ میلیون از خلقهای ما به رسمیت نمی شناسد و حتی بیس مذهب سعه و سنی سررسمت قائل شده است!

تنها تضمین برای حقوق زبان با مردان است که مسئول از وجود دموکراسی برای سومی از مردم حرف بردا ما طبق اصول ۲۰ و ۱۱۵ برای زبان با مردان نمی شده و زبان در موقعیت پست تری نسبت به مردان قرار گرفته اند.

خلقهای ما پس از سالیان در از زندگی در زیر یوغ دربار پهلوی خواهان حق حاکمیت سررئوست خویش اند. اما در این قانون اساسی با وجود پنجاهانی چون "ولایت فقیه" و "شورای نگهبان" و بر طبق اصول ۵۷ و ۷۲ و ۹۳ و ۹۶ و ۱۰۷ و ۱۱۰ حاکمیت خلق، زیر پا گذاشته شده است.

خلقهای ما خواستار، بهداشت و درمان رایگان، آموزش اجباری و رایگان هستند. اما این قانون

بقیه در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۱

امیرالیسم آمریکا را ...

خود با فشاری میکنند که باید که مبنای عملی و موثری در جهت نفی سلطه و نفوذ غارتگرانه امیرالیستی برداشته شود. اینکه اصولا آنهاست حاکمه فعلی میتوانند خواست خلق پاسخ دهند، امری است که ما بارها بدان پرداختیم و کارنامه ۹ ماهه هیئت حاکمه فعلی نیز بصورت ملموس و آشکار نشان

امیرالیسم آمریکا دارد. همچنان در خدمت آنها بوده و مستقیم و غیرمستقیم مجری سیاستهای پانگاون خواهد ماند.

نگاهی به اوضاع ارتش در سالهای گذشته نشان میدهد که این دستگاه خدمتگزار امیرالیسم چگونه از کسب و سلطه برای غارت و جباول ثروتهای ملی و تشدید وابستگی به آمریکا و از سری دیگر چنانی سرکوب خلقهای ایران و منطقه بوده است.

پس از کودتای ضد خلقی ۲۸ مرداد که به

● نگاهی به اوضاع ارتش در سالهای گذشته نشان میدهد که این دستگاه خدمتگزار امیرالیسم چگونه از کسب و سلطه برای غارت و جباول ثروتهای ملی و تشدید وابستگی به آمریکا و از سوی دیگر چنانی سرکوب خلقهای ایران و منطقه بوده است.

سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق انجام داد، و دربار وطن فروش پهلوی بدست آمریکا و انگلیس مجدداً سررسمت قدرت نسبت به تدرج تسلط شاه دیکتاتوری متمدنیاتی شکل گرفت. و طی ۲۵ سال ایران راه رشدانی بزرگ بدل ساخت. شاه که همچون پدرش با کمک ارتش بر روی کار آمده بود، بنوع خود با تقویت و تسلیح جنون آمیزی ارتش با همه های قدرت خود را توانم بخشید. و با اینکه بران چوب خراج بر ثروتهای ملی ایران رد. ارتش شاه که بنا خرج مردم و بر علیه مردم تا بن دندان مسلح شده بود؛ به نمانه عمده ترس و سلبه تا بدین کنترل سیاسی ایران، سود امیرالیستها و در خدمت صنایع آتشی کار گرفته میشد. دستگاه ارتش همچون هوای مری نابینا در هیوا ره تسلیم نموده درآمد ملی ما را مصادف، بعنوان مثال در بودجه سال ۵۴ بنا بر نظامی ۵۰ درصد از کل بودجه را بخود اختصاص داده بود و این درصد در حالی بود که در همان سال امور کشاورزی مملکت نسبتاً ۲ درصد از کل بودجه سهم داشت!

ساست خائن سرزاده شاه خائن به سبب همه ما به قسمت عمده ای از درآمد مملکت مجدداً راه حید امیرالیستها و در راه آن آمریکا سارمی برداد. بلکه بنوع خود وابستگی هر چه بیشتر ایران راه آمریکا تشدید میکرد. غالباً سلاحهایی که به ایران غارت زده فروخته میشد، بلافاصله خلقی از کارشناسان (بخوان خاسوسان) آمریکایی را بدستال خود سبه ارضان می آورد. و تازه ارتش ایران هنوز نسون بکارگیری این سلاحها را نسا موخته بود که ما بوجده تکسک متحول صنعتی و بخصوص در بخش نظامی این سلاحها از دور خارج می شد و هنوز آخرین نتایج حملاتهای سفارشات قبلی به ایران برسیده. سفارشات جدیدی با اصطلاح برای مدرنیزه کردن ارتش در دستور قرار می گرفت.

نفت، این مهمترین منبع درآمد ملی ما،

بقیه در صفحه ۱۸

داه است که تا چه حد این ثوری بولادین که تنها و تنها طبقه کارگر میتواند انقلاب دمکراتیک را به سرانجام برساند درست بوده و در انقلاب ما مصداق بارزی پیدا کرده است. هرچند که اینجا و آنجا، نظیر روزهایی که در آن قرارداد رسم، و تحت شرایط معین (که قبلاً بدان پرداخته ام) هماهنگیهای را از جانب قدرتمندان با جرحی از خواستهای خلق شاهد باشیم. اما اینها هرچند که ما نخواهد توانست زنده ای از اهمیت این حقیقت آشکار که در ۹ ماه اخیر هیئت حاکمه مانع رشد و ادامه انقلاب بوده است، بکاهد.

در شرایط فعلی، توده های با قلمی آکنده از خشم و نفرت به امیرالیسم آمریکا، از چنان سرور و توان انقلابی سرزاری برخوردارند که هر سرور و توانی که بخواهد سدی در برابر راه جیش او بگیرد، صدامیرالیستی میبماند. ایحاد نماید، زیر کار مبنای سدکین و استوار خود، خردو نابود خواهند نمود. چنین است که توده ها ممر آخواهان آنند که تمامی بندهای امارت و سدگی امیرالیستها و در راه آن امیرالیسم آمریکا از هم گسسته شود.

امیرالیسم آمریکا طی سالها سلطه بی چون و چرای خود سررسمت خلقهای ایران، کشور ما را در همه زمینه های اقتصادی، نظامی و فرهنگی نابودهای مرئی و مامرئی به انحطاط امیرالیستی خود وابسته نموده است. نتجوی که رهائی از یوغ امیرالیسم، بدون گسستن تمامی این بندها مسمرو متذو ر نیست. از جمله این بندهای وابستگی و در حقیقت یکی از مهمترین آنها، ارتش دستگاه نظامی عریض و طویل است که بنوع امیرالیسم آمریکا سازمان یافته و طی سالهای طولانی حکومت خابراته شاه، همچون جماعی در خدمت امیرالیستها، و در جهت تامین منافع غارتگرانه شان عمل مینموده است. این ارتش در حقیقت یک ارتش بنام معنی آمریکایی بود که اگر جناحه ساخت آن از ریشه دگرگون نشود، با تمامی وابستگیهای تنگاتنگی که با

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

جنبش
کارگری



و در زندگی روزمره جانب کارگر را بگیرد؟
بیرواضح است که چنین چیزی معقول نیست .
تجربه، مبارزات کارگران در سابق و دنیا و
در کشور خودمان بنیام کارگران استواران
می آموزد که کارگران تنها با اتکال به نیروی
خود و با تشکیلات خاص خود می توانند حق خود
را بدست آورند .

چند خبر از کارخانه "چوکا"

● کارگران بخش تخته چندلانی و صنایع
چوب کارخانه چوکا از روز ۵۸/۹/۴ بعلت عقب
افتادن حقوق خود و بدقولی مدیرعامل نسبت
به انجام تعهداتش دست از کار می کشند. بدینسان
اعتصاب این بخش، مدیرعامل، نماینده
کارگران بخش را می خواهد و او را تهدید میکند
که با بایدکارگران را سرکار بازگرداند و
با ازسایندگی استعفا دهد و گرنه اخراج
خواهد شد. نماینده کارگران که از این
فئال شورا می باشد. موضوع را عیناً با کارگران
در میان می گذارد و کارگران ضمن تأیید مجدد
وی و خواست رفع تعرض و تهدید از او بر روی
پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود از
جانب کارخانه با ادامه اعتصاب خود با فشاری
میکنند .

● کارگران بخش کاغذ کارخانه چوکا از
سرپرست بخش، فردی بنام "جاودانی" بدلیل
اعمال ضدکارگری او، سوء استفاده های مالی
انجام شده از طرف او، به مدیریت و شورا
شکایت می کنند و خواهان اخراج وی می شوند .
شورای کارکنان پس از تحقیق، خواسته
کارگران را صحیح تشخیص داده و خواستار
اخراج سرپرست مذکور می شود ولی سایر سرپرستان
کارخانه و مدیرعامل از وی پشتیبانی می -
کنند. پس از مدتی کشمکش و با در میان نسی
دادستانی انقلاب (مدالته به حمایت از
مدیرعامل و سرپرست مزبور) و نیز تهدید
به استعفا دست جمعی سرپرستان حمایت از
"جاودانی"، کارگران با فشاری بر روی خوا -
ست خود و بیاری اتحاد و تشکل خویش توانستند
"جاودانی" را بیرون کنند .

● مدیر عامل کارخانه چوکا با همکاری
دادستان انقلاب بند را نزولی بطور مرتب
نمایندگان کارگران را تهدید به اخراج می -
نمایند تا از این طریق آنها را وادار به
استعفا از نمایندگی کنند و بدینوسیله شورا ی
کارکنان را از هم بیاهند، اما بعلت حمایت
کارگران از نمایندگان آنان که در جهت احقاق
حقوق کارگران و کارمندان چوکا فعالانه مبارزه
میکنند، مدیرعامل نتوانسته است کاری از
پیش ببرد و علیرغم اینکه حدود ۲ ماه است
این شورا از جاتناستان را رگیلان وادستان
انقلاب انزلی غیرقانونی اعلام شده، بکار خود
ادامه میدهد .

حمله وحشیانه اوباشان به کارگران و کارکنان "آیرپسلان" رشت

شان بعد از انجام ماموریتشان توسط سپاه
پاسداران و ژاندارمها با ملایمت پراکنده
شدند. و این " ملایمت " بهیچوجه تعجب
کارگران را برنمی انگیزد زیرا که آنها بارها
دیده بودند که اوباشان خود از همان پاسدا -
راستند و با ازرقا و باران آنها میباشند و
اینبار هم در اینجا آنها با چشمان خود دیدند
که "حسن شادانی" یکی از اوباشان که در
آغاز حمله اوباشان آنها را همراهی میکرد و به
کارگران زن و دختر حمله میبرد با ژاندارمها
والیته پس از انجام عملیات و در لباس
ژاندارمی برای کمک!! به کارگران آمده
بود و البته وقتی رژیم فدکا رگرو حامی
سرمایه دار است از پاسداران و ژاندارمها
و مدافعینش جز این انتظار نیست .

ساعت ۶ صبح روز شنبه ۴ آذر ماه هنگامی
که کارگران شیفت اول کارخانه "آیرپسلان"
رشت وارد کارخانه میشوند بر درودیوار
کارخانه شعارهایی چون :

مرگ بر اعزای شورا ...
رو برو می بیند و یکساعت و نیم بعد از آن در ساعت
۷/۵ با شعار نویسان که اینبار در یکجایی
ماژیک چماق، چاقو پنجه یکس در دست
داشتند و رو برو گشتند، این اوباشان تحت
پوشش بیکاران محله و یافتن کار، چون
سیاهان مغول با دو مینی بوس به کارخانه
ریختند و کارگران و کارمندان مبارز و اعضای
شورا را که بطور قطع فئال شناسایی کرده -
بودند مضر و مجروح کردند بطوریکه برخی
از مجروحین راه بیمارستان سردند. اوبا -

سندیکای ضد کارگری شادان پورا بشناسیم

ماهیت ضدانقلابی و ضدکارگری سندیکا بیشتر
پی خواهیم برد. کارگران آگاه کارخانه
شادان پورا بخوبی فهمیده اند که در مقابل
با کارفرمایان و سندیکای آنان تنها راه
اتحاد و تشکل است و آگاه کردن کارگران
دیگر به ماهیت سندیکا و کارفرمایان و رژیم
حامی آنان، رژیمی که توسط کمیته ها و وزارت
گارش همیشه حق را بدکارفرمایان می دهد. مثلاً
در مورد همین سه کارگزار خراجی از کارخانه
شادان پورا، جقدر به کمیته و اداره، کار رجوع
کردند؟ جقدر از آنها قول و قرار شنیدند؟ ولی
نتیجه چه بود؟ هیچ! حتی یکی دوبار کمیته
آنها را با زداشت و تهدید کرد. اداره کار هم
رک و راست گفت که کارفرما طبق ماده ۳۳ "قانون"
کار می تواند هر زمان که خواهد کارگر را
اخراج کند و بدین ترتیب آب پاکی را ریخت
روی دست آن سه رفیق کارگر و در واقع روی دست
تمام کارگرانی که فکر می کنند از طریق
مراجعه به وزارت کار و با کمیته ها می توانند
به حقشان برسند و با توصیه، این با آن مقام
حکومتی گره زکارشان بازمی شود. آخر مگر
می شود رژیمی مدافع سرمایه داران باشد
و در قانون اساسی اش بطور آشکار و صریح از
سرمایه داری دفاع کرده باشد و آنگاه در عمل

به نفع کارگران کارخانه، "شادان پورا"
بخاطر سوالانی!! که درنگ جلسه کارگری در
کارخانه، از یکی از مسئولین مزدور بنیام
فرج بخش نمودند، بنا هر توسط کارگری و در
واقع بوسله سندیکای ضدکارگری کارخانه
اخراج شدند. این کارگران علیرغم کوشش های
زیادشان و با اینکه توانسته اند همسرداری و
حتی در مواردی حمایت کارگران دیگر را جلب
کنند ولی بخاطر ناآگاهی اکثریت کارگران
و عدم تشکل آنها موفق نشده اند در مقابل کار
فرما و سندیکای حامی کارفرما به حقوق حق
خود برسند. سندیکای ضدکارگری کارخانه
شادان پورا تهدید کرده است در صورتیکه این
کارگران به پرنحوی مجدداً بکار بازگردانده
شوند، استعفا خواهد داد. این سندیکا همچنین
دیگر کارگران را تحت فشار قرار داده و آنها
را تهدید کرده است که در صورتیکه از کارگران
اخراجی حمایت کنند، اخراج خواهند شد. وقتی
توجه کنیم می بینیم که "جرم" کارگران
اخراجی این بوده است که گفته اند: "حق مسکن
و خواب را با پیدا فاش شود" یا "فرج بخش
با اصلاح نماینده کارگران! در هیئت مدیره
سه کارگزار است و بندر این کارخانه کار می کند
و نمی تواند نماینده ما کارگران باشد" به عمق

حق بیمه بیکاری هم حق کارگران بیکار است، هم حق کارگران شاغل

سود ویژه و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار"

هیچگاه علناً آنرا اعلام نمیکنند) و در واقع هدف دولت و "وزارت کار" شش فقط فریب آنها و استعما ربینتر آنها می باشد.

کارگران بخوبی می دیدند که محاسبه سود ویژه هیچ ربطی به مقدار سود کارخانه ندارد و مثلاً برابر چند ماه مزد کارگر و درآمدی

حق اولاد، حق خوار و بار و... می باشد. کارگران بخوبی میدانند که مزد رسمی شان نمی تواند حداقل زندگی آنها را تامین کند و "سود

● هدف سرمایه داران از تقسیم مزد به "مزد رسمی"، "سود ویژه"، "حق مسکن" و... چیست؟

● به کارگران می گویند چون "سود ویژه" "ظا غوتی" است، آنرا نمی دهیم و فردالابد خواهند گفت چون "حق مسکن"، "حق اولاد" و... "ظا غوتی" است پس آنرا هم نمی دهیم!

از مزد روزانه، اوست که تعداد این ماهها با در صد مزد روزانه را هم نه سود سرمایه دار، بلکه مبارزه کارگران تعیین میکند. از آن گذشته کارگران که خود مستقیماً با تولید و مخرج آن و نیز قیمت فروش محصولات کارخانه، سروکار دارند، براحتی می فهمند که سود کارخانه و سرمایه دار، خیلی بیشتر از آن است که وانمود می شود.

هدف سرمایه داران همواره سود بیشتر است و از این رو با راهها و شیوه های مختلف می کوشند تا مزد کمتری به کارگران بپردازند. یکی از این راهها همین مسئله تقسیم دستمزد به "مزد رسمی" و "سود ویژه" و... می باشد. آنها اگر از مزد رسمی کارگران کسر کنند، دیگر نمی توانند آنها را فریب داده و عمل خود را توجیه کنند و لاف بزنند. حتم کلسد کارگران را (حتی کارگران نا آگاه) سرخو اهدا شیخت و کار دستان خواهند داد! سرمایه داران با کم کردن از "سود ویژه" در واقع امر مرد کارگران دزدی میکنند و برای اس منظور "بهاه" های زیادی هم دارند. مثلاً می گویند که "چون سود کارخانه کم شده و محصولات بفروشن نمی رسد و... بنا بر این سود ویژه کمتری بشما تعلق میگیرد" حال آنکه ما نشان دادیم که سود ویژه اصلاً

ویژه "حق مسکن"، حق اولاد و... پولی است که کافی نبودن دستمزد رسمی روزانه را برای تامین حداقل احتیاجات روزانه، جبران میکند. مقروض بودن همگی کارگران، حواله کردن قروض خود به پرداخت سود ویژه و...، تا مین بسیاری از احتیاجات اولیه از قبیل خورد و خوراک، پوشاک، کرایه خانه و... به وسیله دریافت سود ویژه و... کاملاً نشان میدهد که بدون پرداخت هده قسمتهای مزد کارگران قادر به تامین حداقل احتیاجات خود برای زندگی نیستند و در واقع سود ویژه قسمتی از مزدشان است که بصورت دیگری پرداخت میشود. اما سببیم چرا سرمایه داران این کار را میکنند؟ در زمان رژیم جنایتکار شاهنشاهی، همیشه می گفتند که گویا پرداخت سود ویژه به کارگران برای بالا بردن بازدهی کار است. و گویا برای اینست که کارگران خودشان را به اصطلاح در سود کارخانه شریک ببینند و برای حفظ ماشینها و مواد خام و بالا رفتن مقدار تولید و در نتیجه بالا رفتن سود بکوشند! ولی این حیله - هاشنها عده ای از کارگران نا آگاه را آتیم برای مدت کوتاهی فریب داد و کارگران خیلی زود فهمیدند که سود ویژه به هیچوجه ربطی به سود کارخانه ندارد (سودی که سرمایه داران

سود ویژه و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار" امروزه تقریباً تنها می کارگران به این حقیقت پی برده اند که سرمایه داران نه تنها سبای واقعی نیروی کار کارگران را نمی بردارند، بلکه نامی توانند با کمک دولت حامیان، حق کارگران را بیشتر می خورند و نامی توانند استعما ربینتر آنها را بیشتر میکنند تا سود بیشتری را عاید خویش سازند. اصولاً اگر سرمایه دار سبای واقعی نیروی کار کارگران را تمام و کمال می برداخت، آنگاه معنای وجودی خویش را از دست می داد و دیگر سرمایه دار نبود! چرا که وجود سرمایه دار وابسته به استثمار کارگران و دزدیدن حقوق آنها، می باشد. از این واقعیت، این نتیجه بدست نمی آید که "پس سرمایه دار هر چه قدر دلش خواست به کارگران می دهد" خیر، سرمایه دار برای برداخت مزدی که در مقابل استثمار کارگران می بردارد، مجبور به رعایت حدودیست. و اما این حدود چیست؟

کارگران بخوبی میدانند که حقوق همنه کارگران یک صنف مشخص، تقریباً با هم برابر است. مثلاً یک نرشرانکار که در کارخانه ایران تا سونال کار میکند تقریباً همان مقدار می گیرد که رفیق کارگرش با همان میزان تخصص، در کارخانه سنروشن می گیرد. تراضی علتش چیست؟ و اصولاً چرا مزد نامی کارگران این قدر کم است؟ واضح است چونکه سرمایه داران آنقدر سود کارگران مزد می دهند که آنها نتوانند با تامین حداقل احتیاجاتشان به زندگی بخور و نمیر خود را ادامه دهند. یعنی کارگران فقط آنقدر مزد می گیرند که هم بتوانند بیرونی را که در حین کار کردن صرف میکنند خیران نمایند و هم حداقل زندگی را برای زن و بچدشان فراهم کنند. هم بتوانند روز دیگر در کارخانه حاضر شده و دوباره توسط سرمایه دار استثمار شوند و هم نسلشان بعنوان "ارتش کار" که مسیح استثمار روس در سانی برای سرمایه دار است، قطع نشود. نگاه به زندگی پسران منقذ طبقه کارگر و اینکه کارگران حتی برای یک روز زندگی خود پس اندازند و اگر یک روز کار نکنند نمی توانند خرج زندگی خود را بچرخانند، بروشنی نتیجه گیری فوق را تأیید می کنند.

از آنجائیکه با بالا رفتن آگاهی و تشکیل کارگران و پی بردن آنها به نیروی عظیم و تاریخ ساز اتحادشان، کارگران به مبارزه بر علیه سرمایه داران و گرفتن حق خود از چنگ آنان، می پردازند. سرمایه داران همیشه در جستجوی یافتن راههایی هستند که اولاً جلوی آگاهی و اتحاد کارگران را بگیرند و ثانیاً نتوانند بیشتر آنها را استثمار کرده و سود بیشتری را بحیب خود ببرند. یکی از این راهها که برای گمراه کردن کارگران و فشار بیشتر بر آنهاست، تقسیم مزد آنها به چند قسمت "مزد رسمی" و "سود ویژه"، "حق مسکن،



پیکار

ارتباطی به سودکارخانه نداشتند و تقسیماتی از دستمزدها را نگرفتند. (برای مثال تعطیل پنجشنبه‌های کارگران قهرمان نفت را ننموده‌اند) همین‌طور با بلندگوهای کورکننده‌شان شب و روز را جمع به با لایردن دستمزدها کارگران و تعیین دستمزد حداقل ۵۶۲ ریال در روز برای کارگران سر و صدای راه انداختند، بطوریکه عده‌ای از کارگران بی اطلاع وساده دل را توانستند بفریبند، در صورتیکه میدانیم تورم از دیاد شونده، جامعه که با بالا رفتن سرسام آور قیمت محصولات اولیه زندگی شده است، روز بروز قدرت خرید کارگران و زحمتکش را پاشیدن می‌آورد. مثلا اگر کارگری دوسال پیش با روزی ۳۰ تومان بزمحت زندگی بخورده و نمیری را میگذراند، اکنون با ۶۰ تومان در روز همان زندگی حداقل راه نمی‌شود بگذراند، (توجه به بالا رفتن سریع قیمت‌ها و حتی کیمیایی برخی از مواد اولیه، زندگی و مقایسه آنها با گذشته بروشنی این مسئله را ثابت میکند).

از مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که در زمان رژیم ضدکارگری و آدمکش پهلوی که حامی سرمایه‌داران و جها نخواستار آن بود، سرمایه‌داران برای استثمار رزق بیشتر کارگران، مزد آنها را بچند قسمت "مزد رسمی" و "سودویژه" و حق مسکن و... تقسیم کرده بودند. حال ببینیم بعد از قیام قهرمانان و خلقهای ایران و بعد از دهها هزار شهید و زخمی دادن توده‌ها، چه تاثیر مثبتی در زندگی زحمتکش بخصوص کارگران که ستون انقلاب بوده هستند، حاصل شده و دولت فعلی چه تلاشی برای رادرجت خواستهای کارگران انجام داده است؟ هیئت حاکمه فعلی از آنجا شیکه نه تنها نماینده زحمتکشان جامعه نیست، بلکه غالباً از نمایندگان سرمایه‌داران تشکیل شده، بنا بر این روشن است که نمیتواند از منافع زحمتکشان و کارگران ایران حمایت کند و در دروغی که رگرو سرمایه‌دار، همیشه جانب سرمایه‌دار را گرفته است و تنها می‌مدت ۹ سال، حکومتش این موضوع را در همه جا بنمایش گذاشته است.

به گلوله بستن کارگران در افغانستان و تهران و خرمدره و... کشتار دهقانان و خلقهای کرد و ترکمن و عرب و... سرکوب نیروهای انقلابی و ایجاد جوسا نوروخفان و بستن مطبوعات مترقی و گذراندن قانونهای ضد کارگری، حمایت از سرمایه‌داران وابسته و سرمایه‌های امپریالیستی، عدم لغو قرار دادهای امپریالیستی و... همه و همه نشانگر ماهیت ضد انقلابی و ضد کارگری رژیم حاکم بوده و به وضوح وابستگی و حمایت رژیم را از سرمایه‌داران و جها نخواستار آن امپریالیستی، نشان می‌دهد.

اینها که با بوق و کرنا ۴۰ ساعت کار در هفته را اعلام کرده و به تبلیغات در این مورد پرداخته بودند، بلا فاصله حرف خود را پس گرفته و ۴۸ ساعت کار را بیشتر مطابق گذشته معمول داشتند. حتی خیلی از امتیازاتی که کارگران با مبارزات دلیرانه خود در اثر شهیدان و شکنجه شدن رفقای خود، بدست

مزدکارگران را زیاد نکرده‌اند بلکه این خود آنها بودند که در اثر مبارزات و از جان گذشتگی‌های خود سرمایه‌داران و نمایندگان‌شان یعنی شما (دولت و وزارت کار) را مجبور به دادن قسمتی کوچک از حق خود نمودند و مسلم اگر شکل و آگاهی لازم را میدادند حکومت را هم در دست میگرفتند و دیگر جانی برای مفتخوران سرمایه‌داران و نمایندگان باقی نمی‌ماند. شایسته از دیاد سرسام آور قیمت‌ها و ناپایی برخی از اجناس که در اشرافه، بجزان اقتصادی گذشته می‌باشد و شما قادر به حل آن نبودید و نیستید در واقع روز بروز از قدرت خرید زحمتکشان جامعه کم‌شده و به عبارت دیگر مزد آنها پائین می‌آید. دلیل این موضوع را در سطح زندگی کارگران میتوان مشاهده کرد که اگر از گذشته بدتر نشده باشد، بهیچوجه بهتر نشده (تازه‌بادر نظر گرفتن مبارزات عظیمی که طبقه کارگر برای رهایی از وضع مشقت با رغبیوش انجام داده است).

از این حرفها گذشته اگر طبق اعمای مقامات دولتی و سرمایه‌داران و حقوق کارگران دوسه (!) برابر شده است، پس قاعدتاً سطح زندگی و رفاه آنها نیز می‌بایست به همین میزان ترقی کرده باشد و دیگر ما شا هدی مسکنی، عدم بهداشت، سوء تغذیه و... که دست به گریبان کارگران بوده و هست، نباشیم. در صورتیکه کارگران بخوبی با پوست و گوشت خود، کماکان مشقات گذشته را حتی بمیزان بیشتری احساس میکنند کارگران مبارز و آگاه! از این مطالب نتیجه میگیریم که سرمایه‌داران و دولت حامی‌شان در مرددا انجام شوطنهای دیگر بر علیه زحمتکشان و طبقه کارگران ایران هستند، و آنها قطعاً "سودویژه" در کارخانه‌هاست که در واقع جزئی از دستمزدها کارگران و از حقوق مسلم آنهاست. بنا بر این برای خنثی کردن این شوطن رژیم هر چه بیشتر به افشاگری در این مورد پرداخته و ذهن برادران و خواهران ناآگاه خود را روشن نمائید. صفوف خود را هر چه متشکلتر کرده و اتحاد خود را در مقابل سرمایه‌داران و نفاق افکنیهای آنها حفظ کرده و به مبارزه بر علیه این شوطن، ضد کارگری بپردازید. رژیم فعلی که با استفاده از ناآگاهی و احساسات پست مدعی زحمتکشان، تاکنون بر مسند قدرت تکیه زده است، سعی خواهد کرد با استفاده از این عوامل در جهت ایجاد تفرقه در صفوف شما تلاش کرده و شباهت‌شوم خود را بمرحله عمل درآورد. تنها با آگاه کرده رفقای خود و متشکل شدن هر چه بیشتر است که میتوان جلوی این شوطن هیئت حاکمه را گرفت و نگذاشت تا قسمتی از مزد شما کارگران زحمتکش را به نایب مختلف کسر کنند.

هر چه فشرده‌تر با صفوف کارگران و زحمتکشان تنگ و نفرت برجیا و لکن کارگران زحمتکشان و زحمتکشان

ولی ای کاش کار به همین جا ختم میشد! اخیراً هیئت حاکمه و وزارت کار "درصدد شوطنه جدیدی هستند تا با هم بیشتر از درآمد نا چیز کارگران بکاهند و بیشتر جیب سرمایه‌داران را زلوصفت را بکنند. اخیراً نمایندگان "وزارت کار" در چند کارخانه مطرح کرده‌اند که "چون سودویژه برای فرب کارگران بوده و طاعتی است و از آنجا که ما مزد کارگران را زیاد کرده‌ایم، دیگر احتیاجی به سودویژه نیست و نباید پرداخت شود!!" اینهم یکی دیگر از چهره‌های کوبه ضد کارگری رژیم حاکم! با کمال وقاحت می‌خواهند حتی راکه کارگران دلیر ما با مبارزات پر شور خود از جنگال جنایتکار شاه بیرون آورده‌اند، براحتم از آنها پس بگیرند و آنها را زیر لوای طاعتی بودن این حق! لابد فردا هم خواهند گفت: "اصولاً چون "حق مسکن" و "حق اولاد" و... برای کارگران در زمان طاغوت صورت میگرفته، امری "طاعتی" است و نباید پرداخت شود! از این تازه بهه قدرت رسیدگان ضدمردمی واقعاً بعید نیست! این آقایان نمیدانند و نمی‌خواهند بدانند که گرفتن سودویژه که در واقع جزئی از مزد نا چیز کارگران است، در اشرافه مبارزه کارگران و به بهای مدها شهید و شکنجه شده و زندانی کشیده بدست آمده و در واقع جزئی از دستمزدها نا چیز کارگران است که بدون آن حتی نمی‌توانند حداقل زندگی بخورند و نمیر خود را اداره کنند.

در جواب این حرفشان که "در عوض ما حقوق شما را زیاد کرده‌ایم و سودویژه را داخل مزد رسمیتان کرده‌ایم..." باید گفت اولاً شما



نان ، مسکن ، آزادی



اخباری از: کردستان قهرمان

در کردستان انجام گرفته فراموش نخواهد کرد. برخلاف انتظار رژیم، چون مانع نیروی عظیم خلق را در پشت سر داشتیم، شکست مفتضحانه آن حتمی بود.

وی در ادامه سخنانش که یکی از نیروهای خائن سیاسی حمله کرد و گفت: " شما همه او را می شناسید، حزبی که سرکوبیهای خلق کرد را تا شید کرده و خلخال جلا خلق کرد را نماینده خود در مجلس خبرگان معرفی نمود." در این هنگام جمعیت یکصد فریاد زد: " مرگ سر حزب توده ". در پایان قطعنامه‌های قرائت شد که ضمن آن قطعنامه ۸ ماده‌ای قبلی مورد تأیید قرار گرفت. این سخنران در پایان گفت: " از آنجا که پیشمرگان جایی لازم دارم - ندو ما هیچ جایی بهتر از مقر سپاه پاسداران تشخیص ندادیم، دو روز به آنها مهلت میدهم که آنها را تخلیه کنند، پس از پایان مهلت در صورت تخلیه نکردن خود را اقدام خواهیم کرد .

سندج

میتینگ پیشمرگان (کومهله)

روز پنجشنبه ۵۸/۹/۱ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر بدعوت (س . ا . ز . ک . ا .) (کومهله) و با شرکت هزاران نفر از مردم میتینگی برگزار شد که عده زیادی از پیشمرگان مسلح این سازمان در آن شرکت داشتند. پس از قرائت پیام و چند سخنرانی یکی از پیشمرگان کومهله پشت تریبون رفت و در ابتدا به احترام شهدای ایران و کردستان یک دقیقه سکوت اعلام کرد و آنگاه پس از اشاره به جنگ تحمیلی بخلق کرد گفت: " خلق کرد هیچگاه اعدام - های وحشیانه رژیم را که بدست خلخال جلا

سندج

خلق کرد پیروز است

بدنبال ورود پیشمرگان (کومهله) به شهر سندج، این شهر چهره تازه‌ای بخود گرفت. ورود آنها شکست سیاست‌ها محسوس کرد و ارتجاع و پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق کرد را در این مقطع نشان میداد. مردم با شادی و غرور و تریبک گویان، بیکدیگر می گفتند: پیشمرگ آمده! پیشمرگ آمده! آنها آنتب تا نیمه‌های شب به رقص و پایا بگویی پرداختند. مردم اینک بتخریب دریافت شده بودند که خلقی یکبارچه و متشکل، حتی اگر کوچک باشد، میتواند بسیاری از قدرتها را بزنند و آورد. آنها بچشم میدیدند چگونه کماتی که به ماه پیش، کردستان را عرصه تاخت و تاز خود کرده بودند، اسک در سوراخهای خود خرابه بودند و حرات نداشتند در سطح شهر آفتابی شوند. قبل از ورود پیشمرگها در اثر فشار مردم، مفتی زاده مزدور و هم - بالکبها پیش، مخفیانه شهر را ترک کرده بودند، حتی دانشجویان هوا دار مفتی زاده در دانشکده تربیت دبیر سندج از ترس از شهر رفته بودند. جاشهای محلی دنبال سوراخ سینه ای بودند که در آن مخفی شوند.

همان شب عده ای جاش دستگیر شدند. پاسداران از مرکز تقاضای کمک کرده بودند. پیشمرگان (کومهله) پس از ورود به شهر در سالن تختی مستقر شدند و دفتر (کومهله) را در آنجا برپا کردند.

سقز

سرپیچی مشمولان از رفتن به سربازی

در تاریخ ۵۸/۸/۱۹ دبیلیمه های مشمول و مشمولان عادی در مسجد جامع سقز گرد آمده و در قطعنامه ای خطاب به ما مومنا شیخ عزالدین حسینی اعلام کردند که تا حقوق خلق کرد تا من بشود، از رفتن به سربازی خودداری خواهند کرد.

افتتاح دفاتر سازمانهای انقلابی در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ دفاتر سازمان انقلابی زحمتکشان (کومهله)، سازمان جریک، های فدایی و سازمان پیکار در سقز افتتاح شد. (خبرهای سقز، بنقل از خبرنگار کومهله شماره ۱۱)

رفیق ماجدی در قلب زحمتکشان زنده است

رفیق انور ماجدی در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده فقیر روستای بدنیآ آمد. زندگی مملو از زنجش، از او شخصیتی چون فولاد ساخته بود. زندگی سیاسی رفیق از سال سوم دبیرستان آغاز شد. بعد از تحصیلات متوسطه بعنوان معلم روستای " ظاهربنده " استخدام شد و بعد از یکسال به " مولان آباد " منتقل گشت. او با رابطه تنگاتنگ و سراسر بر تحرک خود با روستایان زحمتکش، خیلی زود در دل آنها جای گرفت. روستایان " مولان آباد " همواره بپا دخواست داشت که او چگونه بی آنکه خم به ابرویا و رد بکارها بشان رسیدگی می کرد و بیماران شان را برای مداوا با خود به تبریز میبرد. آری او در دل توده ها بود. طور - یکه وقتی ساواک وجود او را خطرناک تشخیص داده و حکم به انتقالش به " قامیشله " داد، اهالی ده با چشمی گریان به بدرقه اش رفتند. رفیق انور هر جا که بود، چنین بود. در " قامیشله " او با دایر کردن کلاسهای پیکار، جوانان ده را به ساواد شدن و آگاه شدن تشویق میکرد. رفیق انور برای بهداشت ده و لوله کشی آب زحمت فراوانی کشید. انتقال او به ده " خابوره " موجی از اندوه برجای گذاشت.



فعالیت مداوم و خستگی ناپذیر در راه زحمتکشان با خون او عین شده بود. رفیق پس از آنکه در خانه محقرو مرطوبی ممکن گزید، مردم ده را به ساختن یک مدرسه تشویق کرد. و خود پیشاپیش هم از صبح تا شام به عملگی میپرداخت. ساختمان مدرسه به اتمام رسید و سپس حمام، و آنگاه یک جاده ماشین روبرای ده که با کمک مردم کشید. برآستی که شور انقلابی و عطش خدمت به خلق در او تمامی نداشت. و سرانجام نیز جان خود را در این راه گذاشت. آری، شب چهارشنبه (تیردشمنان بر قلب آتشین او نشست و شمع وجود پربارش را خاموش ساخت.

شهادت رفیق در میان توده زحمتکش انعکاس عظیمی بدنبال داشت، با وجودیکه سقز بهرمان آن شده بود، روستایان اطراف با قلبی مملو از خشم و اندوه راهی شهر شده و

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

مراسم تدفین باشکوهی برگزار کردند. خلق دلاور کرد و دیگر خلقهای مبارز همواره پیاد اورازنده نگه خواهند داشت.

گرامی باد یادشدهای راه آزادی و استقلال خلقهای ایران

گرامی باد یاد رفیق شهید کاک یحیی خاتونی



رفیق یحیی در سال ۱۳۲۴ در روستای "قبلیستون" از توابع سقز در یک خانواده متوسط چشم به جهان گشود. در هشت سالگی مادر و در یازده سالگی پدرش را از دست داد. یحیی تحصیلات ابتدائی را در سقز گذراند و سپس به دانشسرای مقدماتی سقز راه یافت. او می بایست در همین حال معاش خود را نیز تأمین میکرد. از همین رو تابستانها به خردهفروشی در روستاهای اطراف سقز میپرداخت. زندگی پرورج یحیی و آشنائی نزدیک او با زندگی مشقت بار روستائیان، در او عشق و همدردی عمیقی به زحمتکشان و کینه و نفرت سوزانی نسبت به دشمن طبقاتی انباشته بود.

رفیق پس از طی دوره دانشسرای آموز-گاری پرداخت تا اینکه در دانشگاه تبریز بعنوان دانشجوی روانشناسی پذیرفته شد. شخصیت انقلابی و مبارزه جویانه رفیق همواره او را در درگیری ساواک قرار میداد. جانبان ساواک، در خردادماه ۵۴، شبانه به خانه اش یورش بردند، لکن هشیاری انقلابی رفیق مانع از آن شد که مدرکی از او بافته شود. یحیی بعد از پایان تحصیلاتش به سقز بازگشته و در هنرستان صنعتی و دانشسرای مقدماتی به تدریس پرداخت. در سال ۵۴ رفیق راه کرمان تبعید میکنند ولی بعد از مدتی او را به تبریز انتقال میدهند. لیکن دیگر او حق تدریس نداشت. سال ۵۶ - ۵۵ او را این بار به خرم آباد میفرستند البته با زهم بدون اینکه بتواند تدریس کند.

روستائیان ستم دیده اطراف سقز هیچگاه خاطر فداکاریها و از خودگذشتگیهای رفیق یحیی را از یاد نخواهند برد. زندگی آنها چنان بهم گره خورده بود که مرگ هم بارای جدا کردنشان را نداشت. در خانه او در شهر بروی روستائیان زحمتکش همواره باز بود. و رفیق با گشاده رویی و فداکاری یک انقلابی، راهنمای روستائیان بود. و تا آنجا که می توانست از حل مشکلات آنان کوتاهی نمی کرد. سینه او سپرزحمتکشان بود و قلبش برای راهائی آنان می تپید. شهادت افتخار آفرینش گواه این واقعیت است. و قتیکه دهقانان زحمتکش و تحت ستم روستائی "کوقتو" با مالکین مرتجع رو در رو شدند، او بی درنگ به کمک آنان شتافت. مالکین که به برکت پشتیبانی از دولت اسلامی مسلح شده و جوار قتل روستائیان را گرفته بودند، در روز ۵۸/۵/۲۶ سینه مالامال از آتش

اورا، همراه با عدهای دیگر از زرمندگان کرد همچون ملا رشید، شکافتند. رفیق یحیی در قلب زحمتکشان کرد زنده است و آینده روشن را نبوءد می دهد. یادش گرامی و راهش پایدار!

بمناسبت چهلمین روز شهادت رفیق کاک یحیی خاتونی، هواداران سازمان در سقز، ضمن بزرگداشت یاد این شهید دلاور، طی اعلامیه ای از زندگی و مبارزات رفیق در راه آرمان زحمتکشان تجلیل کرده اند.

گرامی باد خاطر شهدای راه آزادی و استقلال خلقهای ایران

فجایع کمیته انقلاب اسلامی دهگلان (کردستان)

در اعلامیه ای که گروهی از دانش آموزان و دانشجویان منطقه لیلخ حوزه دهگلان بتاریخ ۵۸/۷/۲۶ منتشر نموده اند، آمده است:

۱- کمیته انقلاب اسلامی دهگلان بسمه ده سراب حاجی پستی حمله نموده و پیش از آنکه از اهالی ده را بترسب گلوله و سرنیزه مجروح کرده و آنها را بسنوان گروگان با خود برده اند.

۲- در کمیته مردم را به بند کشیده و در کمال وقاحت به گردن آنها زنجیر آویزان میکنند و جلوشان کلاه و بویونه ریخته و تهدید میکنند که اگر نخورند با زور در حلقشان می ریزند. سر انجام با اعتراض شخصی بنام حاج اسمعیل رشیدی که یکی از مسلمانان موردا حرام دهگلان است، آنها را آزاد میکنند.

۳- در حالیکه رژیم ضد خلقی دم از شور و ها میزند، کمیته انقلاب اسلامی افراد شور و های روستایی را جرمه نقدی و با بازداشت میکند.

۴- دانش آموزان و دانشجویان مبارز منطقه را بازداشت میکنند و سپس خانواده آنها را تهدید کرده که اگر باج ندهید آنها را خواهیم کشت.

خلقهای ما آماده پذیرایی از امپریالیسم آمریکا هستند!

وزارت دفاع آمریکا نه ناو هواپیمای بر سنگین "کیتی هاوک" که هشتاد و پنج هواپیمای اف-۱۴ و اف-۴ شکاری - بمب افکن حمل میکند، دستور داد از فیلیپین به سمت اقیانوس هند حرکت کنند.

وزارت دفاع آمریکا به ناو هواپیمای "میدوی" و یازده کشتی جنگی دیگر که در نزدیکی خلیج فارس هستند دستور داده مانور خود با ناوگان انگلیسی را قطع کرده و در این منطقه بمانند.

و ...

(خبر گزاریهها)

اما این تهدیدات ذره ای در اراده خلقهای ما در مبارزه بر علیه امپریالیسم و حامیان داخلی او خلی ایجاد نمیکند. خلقهای پیکار - جوی ما پاسخ دندان شکنی به امپریالیسم آمریکا می دهند. آنها می گویند:

ای جنایتکارترین جانبان تاریخ! ای پلیدترین دشمنان بشریت! ما هرگز از مانورهای شما به هراس نمی افتیم! ما هرگز اجازه نخواهیم داد که حامیان شما در ایران با استفاده از این مانور خروش مبارزه ضد امپریالیستی ما را مانع شوند! ما میدانیم که شما جرات چنین کاری را ندارید، زیرا که میدانید در اینجا ویتنام دیگری را برایتان تدارک دیده ایم! اما اگر چنین حماقتی کردید، بسیار خوب، ما آماده "پذیرائی" از شما هستیم!

"مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!"

"هر چه گسترده تر با دجنش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ما!"

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

ابراشهر

تظاهرات ضد امپریالیستی دانش آموزان

روز ۵۸/۸/۲۸ دانش آموزان دبیرستان عمر فاروق، بمنظور حمایت از خواستهای عادلانه، خلق کردو تایدو پستیانی از مبارز- اتشان به راه هیماشی برداختند. این راه - پیماشی بمدت دوساعت ادامه داشت. روز بعد نیز شورای هماهنگی دبیران و دانش آموزان ابراشهر تصمیم گرفت که صبح روز ۵۸/۸/۳۰ یک راه پیماشی به پستیانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران بر - گزار نماید. این راه پیماشی علیرغم اخلال

تهران

دبیرستان نوفل لوشاتو

روز سه شنبه ۲۹ آبانماه دانش آموزان دبیرستان نوفل لوشاتو دست بیک راه پیماشی بطرف سفارت آمریکا زدند. این عده در مقابل سفارت آمریکا اجتماع کرده و قطعنامه خود را به دانشجویان مستقر در سفارت دادند تا از پشت بلندگو بخوانند. اما دانشجویان مسئول پخش قطعنامه به نمایندگی دانش آموزان میگویند در صورتی قطعنامه آنها را خوانند خواننده اجازه دهد، به بنداز قطعنامه سانسور شود، دانش آموزان مخالفت کرده و خودشان قطعنامه را بدون استفاده از بلندگو برای مردم میخوانند. در زیر بندهایی از این قطعنامه را که مانع از خواندن آن شد، ملاحظه میکنید:

۳ - ما خواهان تصفیه ارگانهای حکومتی، بخصوص ارتش از وجود عمال و وابستگان

پیشمرگه

نامه یک دانش آموز کرد که در وصف رابطه با پیشمرگها نوشته شده است:

پیشمرگه میخواهد خودمختاری را برای خلق کورد بگیرد، پیشمرگه میخواهد کورد - ستان را رزگار (۱) کند برای اینکه ما آزاد باشیم و با زبان خود درس بخوانیم پیشمرگه برای کوردستان جنگ میکند پیشمرگه میخواهد که ظلم نباشد، آغوات نباشد (۲) در کوردستان دشمن کورد (۳) از کوردستان نباید بماند باید شهرها و روستاهای کوردستان آباد باشند و برای کارگران کارخانه درست کنند تا بیکار نباشند هر کس حق کورد را بخورد پیشمرگه او را می کشد کسی نمی تواند از کوردستان جدا (۴) کند.

عناصرمعلوم الحال با موفقیت برگزار شد.

در پایان راه پیماشی قطعنامه دانش - آموزان فراخواند. در این قطعنامه ضمن افشای تهاجم هیئت حاکمه به کوردستان و ستایش از دلوری و مقاومت خلق کوردستان - های دانش آموزان مطرح شده بود که اهم آنها چنین است:

دفاع از خواسته های خلق کردو محکوم کردن هر نوع سازشکاری، اخراج کلیه پاسد - اران از منطقه بلوچستان، قطع رابطه کامل با امپریالیسم آمریکا، تامین آزادیهای دمکراتیک، ایجاد شوراهای واقعی و بالآخره احقاق کامل حق خودمختاری خلق بلوچ.

خواست اخراج کارشناسان آمریکائی از ایران، بیک خواست ضد امپریالیستی نیست؟!

امپریالیسم آمریکا در رژیم سابق میباشیم و معتقدیم وجود کارشناسان نظامی در ارتش عملاً بسود تحریکات و دسیسه چینیها علیه خلقهای ایران است.

- ۴ - ما خواهان اخراج کلیه مستشاران آمریکایی از ایران میباشیم.
- ۷ - ما صریحاً هرگونه سوءاستفاده از احساسات ضد امپریالیستی مردم جهت خاموش ساختن فریادهای حق طلبانه زحمتکشان، دانشجویان و دانش آموز - ان بوسیله برجست زندهای بی پایه و "توطئه آمریکایی" خواندن تظاهرات و تحمیل و عتاب از آزادیخواهان را محکوم میکنیم.

(بهزی پیشمرگه رولله کوردستان - هر سه رکاوتوبی تا آخر زمان) - (۵)

- (۱) - رزگار = آزاد
- (۲) - آغوات = ارباب
- (۳) - کورد = کرد
- (۴) - تعداد = همان کلمه تعدی است که اشتباهی نوشته شده است.
- (۵) - زنده باد پیشمرگه فرزند کوردستان - پایدار باشی تا آخر زمان.



اخبار جنبش دانشجویان مبارز و رزمنده

خارج از کشور (آمریکا)

بدنبال وارد شدن شاه از مکزیک به آمریکا، دانشجویان ایرانی مبارز در آمریکا - مروج افشاکری وسیعی را بر علیه امپریالیسم آمریکا و شاه خونخوار برپا نهادند خشنده موجب درگیری با پلیس فاشیست آمریکا و منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای از هموطنان دانشجویی ما در آمریکا شد.

پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران و بستری شدن شاه شاهن در یکی از بیمار - ستانهای شهر نیویورک موج دستگیری و زندانی کردن دانشجویان فعال جنبش دانشجویی توسط پلیس آمریکا با زخم شدیدترند و دستور کار ترس به پرونده بیش از ۵۵ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا توسط اداره مهاجرت رسیدگی!! وبه دلایل واهی تاکنون در حدود بیش از ۹۰۰ نفر از دانشجویان را دستگیر، زندانی و با وادار به خارج شدن از آمریکا کرده اند.

شمکاکو

روزشنبه ۲۶ آبان نظا هراتی با شرکت بیش از ۱۵۰۰ نفر به استکار "حزب انقلابی کمو - نیست آمریکا در شیکاگو به طرفداری از خلق زحمتکش ایران و بر علیه امپریالیسم آمریکا برگزار شد که منجر به درگیری و زخمی شدن عده ای گردید.

در طی مبارزات دانشجویان (۲۰ تا ۲۰۰ در آبان) در ایس شهر که منجر به درگیری و زخمی شدن عده ای و دستگیری حدود ۴۰۰ نفر از طرف پلیس آمریکا و زندانی شدن آنان گردید، و برای هر کدام تا روز تشکیل دادگاه از ۵۰۰ تا ۷۰۰۰ دلار جریمه در کرده اند و اگر این جریمه - ها پرداخت نگردد آنها با پیدنا روز تشکیل داد - گاه (حدود سه ماه دیگر) در زندان باشند.

۵۸/۹/۲

در بیشتر شهرهای آمریکا بخانه های ایران، متعلق به دانشجویان مبارز کنگهدار - سیون جهانی (هواداران سازمان بیکارد راه آزادی طبقه کارگر، چریکهای فدائی خلق، اتحادیه کمونیستها) حمله شده ولی خانه های ایران دانشجویان ملعمان ایرانی مقیم آمریکا و گاناناد همچنان با برجا است!!

در مقابل تمام این تجاوزات آشکار امپریالیسم آمریکا بر علیه جنبش دانشجویی و رهبران و فعالین آن در آمریکا مقامات کنسولگری ایران در آمریکا چه اقداماتی علیرغم شعارهای توخالی و فریبنده بنفیع بخشی از جنبش خلق ما در آنجا انجام داده اند؟ وقتی عده ای از دانشجویان مبارز به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شیکاگو

بقیه از صفحه ۱

هشدار به تمام نیروهای انقلابی ، توده‌های آگاه خلق و بویژه خلق بلوچ !

تسکجی ها و همقط را نش ما شنید "میرمولدا دختان سردار زهی" که همه "نیروهای نظامی و غیرنظامی دولتی و غیردولتی را با حمایت خود "رژیم" در منطقه دستیار و جابه‌جا و سینه‌ها را در نظر دارند دست به حملاتی علیه دولت ایران بزنند. تا "کریم بخش میرسعیدی" را آزاد و سالم بسه ایران برگردانند و به آنها تحویل بخانیند و ... لازم بداند که راست‌ها منظور که گفته شد تا مدتی پیش خاسها یا دولت بودند که موضع گیری دادستان انقلاب اسلامی در زمان دایر بر اشتباه بودن توزیع اسلحه و سپردن کارها به دست خاسها ، (روزنامه اطلاعات ۱۹ آبان) سب شده است که اختلاف نظری میان خاسها دربارها ، حمایت از دولت بوجود آید. همانطور که گفتم بخش وسیعی از توده‌های خلق بلوچ بدلیل عقب ماندگی شدید شرایط عشیرتی و قبیله‌ای از آگاهی بسیار نا زلی برخوردار بوده و بیشتر نسبت به خاسها بی‌خبری و بی‌توجهی است و آگاهی آنها را آنان حمایت میکنند. وبدلیل همین عقب ماندگی است که حتی نسبت به اعمال خاسها ، و جنا پتکارانه شاه نیز توجهی نیستند.

نیروهای انقلابی، توده‌های آگاه و خلق بلوچ! امیربا نسبتها و بویژه امیربا لیم آمریکا سخت در تلافی و کوشش است که هر دستنی از جانب خاسها به خلقهای ایران بطرفش دراز شود. از آن پلی برای انتقال نیروهای جبهه‌ای و اسارت بارش بدرون کشور بسازد. آمریکا این دشمن اصلی خلقهای ایران هم اکنون در سرنا سرچین بویژه خاور میانه با منتهای کوره کرده، خلفهای ستم‌کننده و استثمار رنده‌ولی مصمم روبروی ما شد. وضعیت بر اهمیت سوق الحثی بلوچستان، وجود خاسها و سردارها و ... بغایت ارجحی و روابط عقب مانده، تولیدی در منطقه، نفوذ سیاسی خاسها، فقری اندازه، خلق بلوچ، برآکنندگی جمعیتی مردم بلوچستان در منطقه و بیشتر از همه وابستگی رشد دار خاسها و ... به امیربا - لیمها و امکان تماس گیری با مزدوران امیربا - لیم است که چنانکه هم اکنون اخبارش در منطقه بسیار رایج شده، و طبیعه، خطری را در مقابل ما قرار میدهد.

باید از یک طرف عمیقاً با فاش همه جا نبه خاسها و سیاستها و اعمال حمایت خوبانه "رژیم" که ناخال از این خاسها بعمل آورده است پرداخت و از طرف دیگر در بیست و نوسه تشکیلات و شوراهای واقعی توده‌ها در شهرها، روستاها و ... همت گماشت. تا خلق بلوچ اداره، امور اداری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سرزمین آبا و اجدادی خود را بدست گرفتند و با اتحاد مسخکم طبقات خلق به مقابله با هرگونه توطئه‌های امیربا لیم و خاسها و رژیم‌ها که ناخال از اینها حمایت کرده است بپردازد.

منطقه بلوچستان به ذات هم‌جواری با کشورهای پاکستان و افغانستان که حکومت‌های دست‌نشانده‌ای چون میا، الحق و فیض‌الله امین در سرکارند و سلط، قرار گرفتن آن در کرانه دریای عمان از اهمیت سوق الحثی ممتازی برخوردار می‌باشد. خلق زحمتکش بلوچ سی - اندازه فقیر و در تحت ستم و استثمار چندگان‌های ملی و طبقاتی زندگی برآز محنت، سخت و دشوار می‌گذرانند. بسط و حفظ روابط بسیار عقب مانده عشیردی و قبیله‌ای (و حتی نوعی برده‌داری در مناطقی از بلوچستان) در بلوچستان توسط رژیم خونخوار و پهلوی و حمایت همه جا به رژیم مخلوق از منافع اقتصادی و نفوذ سیاسی خاسها، سردارها و مولوی‌ها (۱) در منطقه موجب گردیده که خلق بلوچ به سیاست سی خاسها و ... تا حدی کردن بنهده. بعد از قیام نگوهمند بنهمن ما در نیز رژیم جمهوری اسلامی حمایت خود را از همان جنا پتکاران دروغ ننمود و ارتس اسکه ما را خلق زحمتکش ملی و بغایت فقیر بلوچ خلق سیاسی و اقتصادی خود را طلب نماید و سرنوت خود را در دست این رالو - جعتان و خونخواران بحاط دهد. تا ما بین امنیت منطقه "خوای سرکوب خلق بلوچ" به مسلح کردن همس حساب نگاران برداخت. سفر فرما شده، زاندار مرزی ایران شیر ما هلیکوپتر به "اسکد" در تاریخ ۵/۸/۵۸ برای جلب نظر میرمحمدخان لاثاری خان سرگ منطقه لاثار که نما شده دوره، آخر مجلس مسلحه، شورای ملی سودتا در این سفر خراسان و ما منعی که رژیم جمهوری اسلامی به خان سرگ داده به او بدهد و بگوید که هسکویه مزاحمتی از طرف "رژیم" برای او بوده و کار خود معمول بانند، نموندای ارایین حمایت‌های رژیم از خاسها - سب، و با خاسها و بنا بیدکان سابق مجلس شورای ملی مثل کریم بخش سعیدی، عیسی خان مبارکی، بنیس مبارک‌چی، سهرام خان شریایی، میرمولدا دختان سردار زهی و ... هر کدام ۶۰ تا ۱۰۰ ستم اسلحه از طرف ارتس در اختیارشان قرار گرفتند. هر توری دلسان می‌خواستند به حکومت خود در مسئله‌ها داده و به بحار گیری نام‌گیری و مالکات حسی در روستاها و ... سردارزند، (دراسی مورد تیراچه‌کننده به سکار ۳۶ و ۳۰، دشنه آخر).

در منطقه مردم می‌گویند که خاسهای لاثار (لاثار از سوابق ایرانی‌سپاسات) افراد را از آن‌همه "علمی‌فنا خان مبارکی" و ... را بسه با کمان فرساده‌اند از کشورهای آمریکا و انگلستان کمک دریافت نمائند و بنا "بختیار" نیز تماس برقرار سازند. همچنین تابع است که آنها به انگلستان نیز رفتند. بدینسان این خیرها گذشتند و بدو که جا "کریم بخش سعیدی" که یکی از خوانین معروف بلوچستان میباشد هنگام عزیمت بخارج از طریق پاکستان در فرودگاه پاکستان دستگیر شده و هم اکنون

مراجعه و خواستار اقداماتی در جهت پشتیبانی از دانشجویان در مقابل پلیس سرکوبگر آمریکا شدند. جواب جناب آقای کنسول به دانشجویان مبارز چنین بود "با بد منتظر ما بنیم تا روابط ایران و آمریکا بهتر شود تا بتوانیم در این باره اقدام کنیم". این یک جواب شخصی سی اطلاع از روابط و اوضاع کنونی نیست. این خط مشی بخشی از هیئت حاکمه است که در تغادی آشتی نا پذیریم جنش توفنده و ر و به اعتلای توده‌های زحمتکش ما از طرفی و امیر - یالیم خونخوار آمریکا از طرف دیگر دست و پا میزند.

سائقران سمسکو

در سائقران سمسکو در جریان نظرات یکی از دانشجویان بدست پلیس فاشیت آمریکا شهید شد.

خوسون

در شهر خوسون ایالت نکراس عده‌ای به خانه یکی از دانشجویان حمله کرده و پس از شکستن در قفسه قتل رساندن او را داشتند که دانشجوی نامبرده با شتراندازی یکی از مهاجمین را کشته و دو نفر از خمی نموده و هم‌اکنون در انتظار تشکیل دادگاه در زندان سمری سرد.

در یکی از شهرهای حوالی کازانس سنی دو دختر دانشجوی ایرانی توسط چند نفر آمریکایی رسوده شده و بدآنان تجاوز میشود. در مورد ما هت این افراد را دیده‌ها اطلاع می‌در دست نیست.

تعطیل اداره شماره گذاری

روز سه شنبه ۵۸/۹/۶ روسای اداره شماره گذاری راهنمایی و رانندگی تهران درب آن اداره را بروی کارمندان مبارزش که خواهان پاکسازی و احقاق حقوق خود میباشند، بسته و اعلام دوروز تعطیل میکنند. در این رابطه شورای کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی با انتشار اعلامیه‌ای در تاریخ یاد شده ضمن محکوم نمودن این عمل خواستار تنقیه اداره از عوامل وابسته به رژیم سابق می‌گردد.

آخرین خبر رسیده حاکی است که کارمندان اجرائیات اداره راهنمایی و رانندگی نیز صبح روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ از طریق شورای خود کتباً خواهان باز شدن اداره شماره گذاری و بازگشت کارمندان آن سرکارشان شده و اعلام نموده‌اند که: "در غیر این صورت ما نیز از ساعت ۱۰ صبح (چهارشنبه) بعنوان همبستگی به آنها خواهیم پیوست."





ریشه‌های بحران مسکن در ایران

طغنه حاکم را از میان برداشتی. (۲)

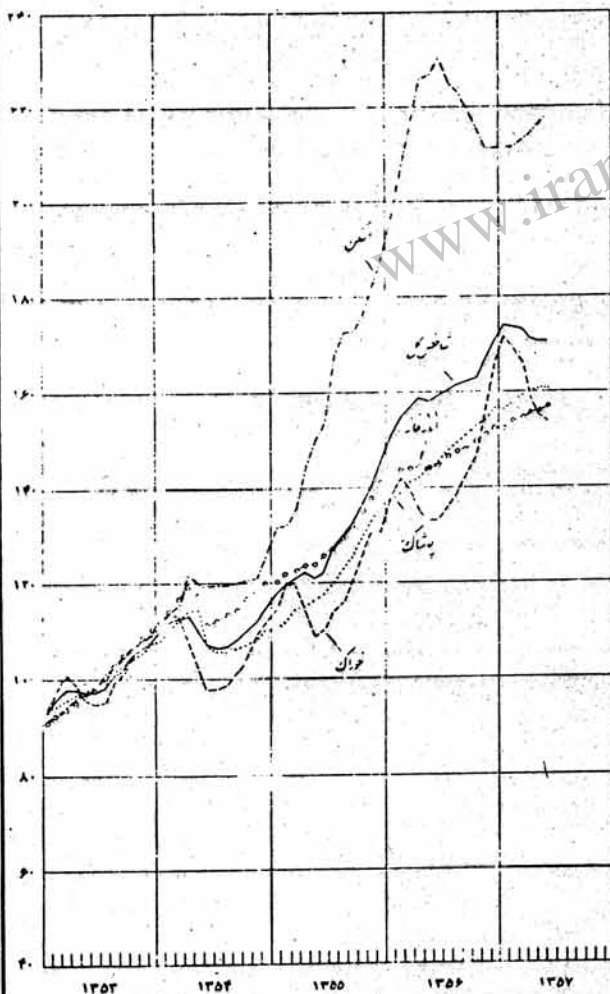
و
"... تنگنای مسکن محصول ضروری شکل سوژوایی جا معادست و جا معدای که در آن توده عظیم زحمتکاران در فاصله دستمزدهایی تنها به آن مقدار از وسایل معیشت گسسه برای ادا مسکن و تولید مثل ضروری است متکی می‌باشد. همین‌اوند بدون تنگنای مسکن وجود داشته باشد." (۲)

میگوید:

"این گونه تنگنای مسکن نه ویژه عصر کنونی است و نه حتی یکی از مصادیقی است که بهرولتاریای امروزی را از دیگر طبقات متمسکین پیشین متمایز میسازد. برعکس این مصیبت تقریباً بطور یکسانی در تمام طبقات متمسکین در تمام دوران تاریخی بوده است. برای پایان بخشی به این گونه تنگنای مسکن تنها یک راه وجود دارد: استثمار و سرکوب طبقه کارگر بوسیله

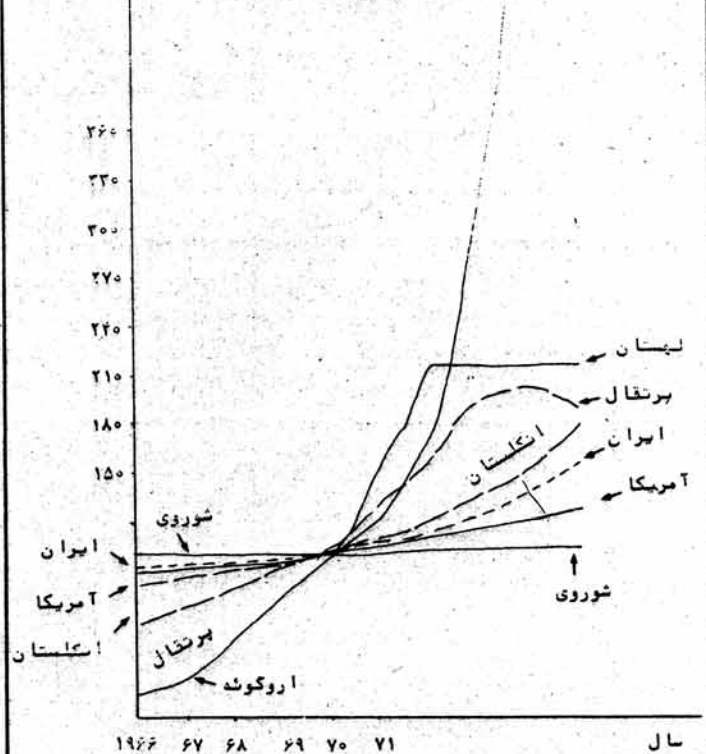
اشغال واحدهای مسکونی و تصرف آن توسط زحمتکاران - چه دولتی و چه متعلق به بخش خصوصی - و نیز اقدام به خانه سازی در مناطقی خارج محدوده "از حرکاتی بود که توده‌ها در تمام جنبش انقلابی خود پس از قیام سهمین باه در پاسخ به بحران مسکن دادند. خندی پیش نیز حرکت انقلابی دانشجویان در اشغال هتلها و ساختمان های متعلق بسنه سرمایه داران بخش خصوصی، ابعادنازهای سینه سبز حرکت انقلابی توده‌ای در ایران بختیده و یکی از آنکارترین دردهای اجتماعی زحمتکاران - یعنی مسئله مسکن را - در بحث خلقیای همین مآثر اورداد. مسئله مسکن نه تنها در کشور ما که تا رو بود افتخادش وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی است، بلکه مسئله‌ای است که حتی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته نظیر آمریکا، ایٹالیا و... به‌طور یکی از مسائل مهم زحمتکاران همچنان مطرح است. (۱) انگلس در این باره

شماره ۲ - شاخص‌های گوناگون و ضلالت مصرف در ایران
۱۳۲۲،۱۰۰



مآخذ - مجله بانک مرکزی ایران، شماره ۱۷۸، شماره دوم ۱۳۵۷

آرژانتین - نمودار ۱ - شاخص هزینه مسکن در کشورهای مختلف جهان در سالهای مختلف
مآخذ - سالنامه آماری دستور بین‌المللی کار، سال ۱۹۷۶
شاخص ۱۰۰ = ۱۹۷۰



سال

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکاران است

معملاً طبقه کارگرداران کشورها امروزه پستوانه، سنن از یکصد سال مبارزه طبقاتی توانست است امتیازات قابل توجهی از سرمایه داران درزمینه مسکن بدست آورد. لیکن در کشور ما بر اثر استقرار سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و حاکمیت دیکتاتور فاشیستی در یک دوره طولانی که امکان هرگونه مبارزه صلی را هم از حاکمیتان دشوار نموده بود، ما نکلی با شرایط دیگری روبرو هستیم. در اینجا مسکن آندرسیمون یکی از اساسی ترین خواسته های زحمتکشان مطرح بوده و هست که ما باید ما بدانیم که در سالهای قبل و در جریان آغاز انقلابی انقلابی، بعنوان یکی از شعارهای اساسی زحمتکشان، خود را آغاز مبارزات سوسیالیستی بر علیه سیستم سرمایه داری و استبداد امپریالیسم در ایران کردند. وهم اکنون نیز مسکن یکی از اساسی ترین خواسته های زحمتکشان و قشرهای باطن و متوسط خرده بورژوازی می باشد.

در باره مسئله مسکن، طبقه کارگران در مبارزه طبقاتی و ریشه های آن در ایران تاکنون تحلیل هایی بعمل آمده که عمدتاً در رابطه با جنبش خانه سازی و بورژوازی اقتصاد (سایبان ۵۶) انتشار یافته است. لیکن اکنون در این مسئله مسکن در شرایط متفاوتی با آن دوران مطرح میگردد، چه حل مسئله مسکن لاجرم از آن جهت که کمونیستها شعار محاربه سرمایه های امپریالیستی و وابسته و محو بقای سرمایه امپریالیسم را در رابطه با آن قرار میدهند، در مقابل راه خطهای خرده بورژوازی، بورژوازی و ریزبوسنیستی که امروزه در اینجا و آنجا ارائه میشود، قرار میگیرد.

مسئله مسکن و بحران آن در ایران که بورژوازی سالهای ۵۰ بعد از بروز آثار بحران اقتصادی و حرکت سرمایه های وابسته و امپریالیستی بسوی بورس بازاری زمین و بخش ساختمان سازی و انباشت سرمایه در این بخش اقتصادی با شدت بیشتری مطرح شده است. همانطور که در نمودار ۲ ملاحظه میشود در میان افزایش مداوم

خاص قیمت کالاهای عمده در سالهای ۵۲ - ۵۷، افزایش نرخ مسکن به مراتب شدیدتر و سریعتر میباشد و بهر واضح است که افزایش نرخ مسکن که در رابطه تنگاتنگ با نرخ کرایه واحدهای مسکونی میباشد برای بخش مهمی از زحمتکشان که اچاره نشین هستند، چه فشار اقتصادی برآورد آوری را تحمیل کرده است. چنانکه میبینیم امروزه نه تنها برای کارگران و زحمتکشان، بلکه برای اقشار وسیعی از خرده بورژوازی شهری، کرایه مسکن بیش از ۵۰ درصد از هزینه زندگی را در بر میگیرد.

مسئله مسکن اردو حوضه مطرح است:

۱- از لحاظ کیفیت واحدهای مسکونی موجود (استحکام و بهداشتی بودن) و نبود خدمات شهری (آب، برق، تلفن، مدرسه، بیمارستان و...)

۲- از لحاظ کمبود مسکن برای زحمتکشان و کرایه آن، اچاره بنای سگین و ازدحام جمعیت در مناطق فقیرنشین.

برای درک بهتر این مسئله که واحدهای مسکونی موجود دارای حکمیتی هستند، جدول ۱ را که مربوط به سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ میباشد، مورد بررسی قرار میدهم:

طبق این جدول نشان میدهد که در سال ۱۳۴۵ یعنی ۱۱/۷ درصد واحدهای مسکونی موجود در کشور از نوع ساختمان های با دوام میباشد. در حالی که در سال مذکور اکثریت فایده ساختمان ها یعنی ۹۸٪ را ساختمان های ارجحی خوب، آجر، خشت و سبک میباشند. از آنجا که مسکن در مناطق شهری و روستایی به تنگنای داده شده است. در حالی که در شهرها ۳۳٪ از منازل مسکونی از حالت با دوام ساخته شده است (که آنها را تماماً در تصرف اقشار مرتفع جامعه است در حالی که اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان در شهرها در بنا زلی زندگی میکنند که در صورت سربلایی قابل استغاده است). ۶۶/۶٪ فاقدهای شرایطی است. در روستاها نیز همانطور که ملاحظه میشود فقط ۱/۱٪ منازل دارای شرایط یک واحد مسکونی مناسب است! باقی منازل روستایی فقط سربلایی است از

کل و چوب. آثار و نتایج حاصل از چنین زندگی ای را در عرض همین دهه گذشته در روستاها بارها دیده ایم که چگونه یک زلزله خفیف و یا یک سیل کافی است تا جمعیت کثیری از روستا- ثیان را از هستی ساقط کند و تعداد بیشماری از آنان را قربانی نماید.

جدول ۲ اطلاعات فوق را در باره وضعیت منازل مسکونی بر اساس سرشماری عمومی ۱۳۵۵ نشان میدهد.

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه میشود، در سال ۱۳۵۵ تا ز فقط ۲۵/۳٪ از منازل مسکونی در کل کشور (۵۱/۷٪ در شهرها و ۴/۱٪ در روستاها) دارای شرایط مناسب مناسب اند و بقیه فاقد آنند.

جدول ۳ تراکم جمعیت در مناطق مسکونی را نشان میدهد. ردیف اول این جدول درصد خانوارهای را نشان میدهد که ۱ اتاق، ۲ اتاق و... زندگی میکنند. ارقام ستونهای جدول (بغیر از ردیف اول) نشان میدهد که مثلاً چند درصد از خانوارهایی که در یک اتاق زندگی میکنند نفره ۲ نفره و... میباشند. مثلاً در ستون دوم همانطور که ملاحظه میشود تماماً ۳۸/۳٪ از خانوارهای شهری در ۱ اتاق زندگی میکنند. آنگاه از این

درصد خانوار، ۱۵/۲ درصد خانوارهای ۱ نفره، ۱۹/۹ درصد خانوارها ۲ نفره و... هستند.

مکعب خاکی از این جدول که بصورت [] هستند تراکم جمعیت را نشان میدهد. مکعب خاکی که [] هستند حالت معمولی و مکعب خاکی که بصورت [] است و جمعیت عالی را نشان میدهد مثلاً فرض کردیم ما ۴ اتاقی داریم ۲ اتاق هستند چنانچه در این منازل ۱ نفر زندگی کند

بقیه در صفحه ۱۳

(۱) - فردریک انگلس در مورد مسئله مسکن ترجمه خانبا با تهرانی صفحه ۲۳

(۲) - نمودار ۱ رشد هزینه مسکن را در سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۵ در کشورهای مختلف جهان نشان میدهد.

(۳) - فردریک انگلس در مورد مسئله مسکن صفحه ۵۶

ساختمان های با دوام		ساختمان های بی دوام					سایر ساختمان ها	
مکان	جمع	آجر و خشت	سنگ و آه	سنگ	چوب	سایر	%	سایر %
کل کشور	۳۸۹۹	۱۱	۲۵	۲۲۱	۲۵۷	۱۱/۷	۲۴۴	۶/۳
مناطق شهری	۱۳۰۱	۸	۱۹	۲۰۲	۲۲۹	۳۳/۰	۱۸	۱/۴
مناطق روستایی	۲۵۹۸	۳	۶	۲۰	۲۹	۱/۱	۲۲۶	۸/۶

جدول ۱ - تعداد واحدهای مسکونی معمولی کل کشور بر حسب مناطق و ریشه در ساختمان و به تنگنای زندگی در سال ۱۳۴۵ (بر حسب هزار واحد) - نتایج سرشماری عمومی جمعیت ساکن کل کشور در سال ۱۳۴۵ - مرکز آمار ایران

مکان	ساختمان های با دوام					ساختمان های بی دوام				
	جمع	آجر و خشت	سنگ و آه	سنگ	چوب	جمع	آجر و خشت	سنگ و آه	سنگ	چوب
کل کشور	۰/۷	۲۲/۴	۰/۳	۱/۳	۳۵/۳	۳۶/۸	۱۷/۸	۱/۶	۷/۰	۷۴/۲
مناطق شهری	۱/۳	۲۷/۰	۱/۶	۱/۸	۵۱/۷	۱۸/۰	۱/۸	۰/۲	۱/۸	۲۸/۱
مناطق روستایی	۰/۲	۲/۶	۰/۳	۱/۰	۲/۱	۵۲/۹	۲۲/۵	۲/۸	۰/۸	۶۵/۳

ماخذ - نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۵۵ - مرکز آمار ایران

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی از مسائل عام "یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً بهیچ وظیفه، مشخصی که در لحظه، معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود... (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتری

(قسمت آخر)

س.ج.ف.خ. و حزب دمکرات
کردستان

رفقای فدایی در نشریه کار شماره ۸۸ ای ۳۲ و ۳۳ در متنی "انتقادی" از مواضع "کنفرانس وحدت" و بیانیه آن در مورد کردستان ناریدگی با منحنی کردن پایگاه انتقادی خود مبنی بر دفاع از شوروی و اردوگاه سوسیالیستی، خود بدستی بر جلوه بینی از تزلزل ایدئولوژیک خرده بورژوازی در سیاستها و نظرات خویش مبنی بر مسازش و دنباله روی از بورژوازی تکیه کرده اند. چرا که نظریات تزلزل و ناپایداری نسبت به مارکسیسم - لنینیسم تا آنجا که مربوط به مرز بندی جنبش کمونیستی مینود در موضع گیری نسبت به رویزیونیسم اهمیت بیشتری میباشد س.ج.ف.خ. با تکیه بر همین اختلافات اساسی خود در موضع گیری نسبت به رویزیونیسم تا نیروهای جنبش کمونیستی ای که با رویزیونیسم مدرن و نوپا (سه جیانی) مرز - بندی روشنی دارند روی برخورد های لیبرالی خود نسبت به جریانات بورژوازی تا کیست میکنند.

"در میان کمونیستها در مواردی این تلقی بچشم میخورد که گویا اعتقاد به احیای سرمایه داری در شوروی و بلشور کلی بدیش تر است حاله مجدد اردوگاه سوسیالیستی و تبدیل آن به پیک اردوگاه امپریالیستی نوین به عمل و مبارزه امروزین طبقه کارگرو سایر زحمتکشان خلق ما ارتباط ندارد".
اثری دیگر - شماره ۳۲ مقاله کنفرانس وحدت یا موضع گیری سیاسی...
و از همین پایگاه در ادامه بیانیه مربوط به کردستان به توضیح مواضع خویش نسبت به حزب دمکرات کردستان می پردازد. ما برخورد انتقادی مان در مورد مواضع رفقای فدائی نسبت به رویزیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم بطور جداگانه در مقالات "در افشای سوسیال امپریالیسم..." در پیکار پیش برده و ادامه خواهیم داد. در اینجا روی این نکته تکیه میکنیم که چگونه مواضع رفقا و نحوه برخورد لیبرالی شان نسبت به جریانات و احزاب بورژوازی، در تمام مسی زمینه های مختلف (برخورد با رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم، برخورد با بورژوازی حاکم و...) کل همسته ای از تجلیات تزلزل ایدئولوژیک و ناپایداری نسبت به مارکسیسم - لنینیسم را ارائه میدهد. امری که ضرورتاً ب مفهوم در خدمت ایدئولوژی بورژوازی قرار گرفتن است.

رفقا، این جناحهای "ناسیونالیستی" و "مارکسیسم بورژوازی" حزب دمکرات کردستان نمایندگی کدام طبقه را دارند؟ و این "سیاست کاملاً بورژوازی" حاکم بر حزب دمکرات و برنامهم و تاکتیک آن مدافع و تا میسر کننده منافع کدام طبقه اجتماعی واقعاً موجود است؟

نبرکند تر شود و خیانت آنان فرصت پیش - برد مبارزه را از خلق کرد باستانند".
همه جا تاکید از ماست.

جالب توجه است که رفقا حزبی را که بقول خودشان یک جناح آن راناسیونالیستها ی کرد و جناح دیگر آن "مارکسیست ها" می (مارکسیسم بورژوازی) هستند که نباید تفکر آنان همان دیدگاههای حزب بوده ایران است "چنانچه از نام آن سداست تک سازمان دمکراتیک آریزایی میکنند!

آخر رفقا این جناحهای "ناسیونال - لیستی" و "مارکسیسم بورژوازی" حزب دمکرات کردستان نمایندگی کدام طبقه را دارند؟ منابع را ایدئولوژی کدام طبقه را سانسزدگی می کنند و این "سیاست کاملاً بورژوازی" حاکم بر حزب دمکرات و برنامه و تاکتیک آن مدافع نامین کیست مدافع کدام طبقه اجتماعی و انصافاً موجود است؟ چگونه آنها از روی نام این حزب آریزایی سازمان دمکراتیک آریزایی می کنند؟

این عملکرد کدام ایدئولوژی است که با شیوه برخورد خط نمائی، آنجا هم که به حسدای از واختمت می رسد در نوعی این سیاست کاملاً بورژوازی حزب و مخدوش کردن مرز بندی طبقاتی نیروها برآمده و ناپیک عقب نشینی آشکار ادامه میدهد. که "عمده کردن مسئله ملی محصوره، دمکراتها نسبت خلق کرد عموماً در سطوح متفاوت تحت تاثیر سوسیالیسم قرار دارد که طبقه نائی از سهم ملی است". و "هم اکنون سوبزه پس از سورش وحشیانه ارتش و پاسداران و کشتار خلق کرد آشکارا تضادهای طبقاتی باز هم بیشتر به فراموشی سپرده شده و تحت الشعاع مسئله ملی قرار گرفته است" و دست آخر اینک: "اینست حاصل پیشبرد سیاستی خرده بورژوازی و بورژوازی ناسیونالیستی که در متن سرکوب و ستم طولانی و سنگین سرمایه داری ستمگر در جامعه طبقاتی ما نهفت خلق کرد را در خوار خود گرفته است"؟

نه رفقا! این نحوه برخورد انتقادی شما نقد کمونیستی احزاب بورژوازی نبوده، چیزی جز خصلت نمائی ساده و در عین حال شدیداً متناقض نسبت که تزلزل ایدئولوژیک خرده - بورژوازی را بنماشا می گذارد. چرا که در ادامه این خصلت نمائی آنجا که مقاله سناگنیر آریزایی "سیاست کاملاً بورژوازی"

خصلت نمائی و اصرار در شیوه برخورد غیر مارکسیستی:

رفقای فدائی در نشریه کار شماره ۳۳ در توضیح "تکلیفی" و "تصحیحی" بیانیه کردستان با این مقدمه که: "... می پذیریم که سیاست کردستان نتوانست تصور واقعی و درستی از حزب دمکرات کردستان ارائه دهد و از آنجا که تحلیل جامعی از حزب دمکرات کردستان تاکنون ارائه نشده است موضع نارمان درباره این حزب در ذهن نیروها عملاً مخدوش شده".
مواقع خود را نسبت به حزب دمکرات چنین ارائه می دهد:

"حزب دمکرات کردستان جناحها را نام آن سداست به یک سازمان بورژوازی - لیستی (ا؟) که یک سازمان دمکراتیک است که یک جناح آن ناسیونالیستهای کرد تشکیل میدهند و جناح دیگر مارکسیست - لیستی (مارکسیسم بورژوازی و ناسیونالیستی) هستند که سداستنگر آنان همانند - کازبای حزب بوده ایران است".

(تاکید از ماست) و در جای دیگر مقاله: "از آنجا که ما معتقد نیستیم حزب دمکرات کردستان یک جریان مارکسیست - لنینیست است ما از رادار درون جنبش کمونیستی ایران قرار نخواهیم داد. ما معتقدیم حزب دمکرات کردستان یک جریان دمکراتیک یا کرایتالیست لیستی است..."

و در جای دیگر مقاله:

"حزب دمکرات حزبی است معتقد به سازش طبقاتی و تخفیف مبارزه طبقات در کردستان" ویا:
"حزب دمکرات به دهقانان توصیه میکند اکنون که مسئله ملی در میان است درست نیست علیه اربابها و زمینداران اقدامی بکنند، اول مسئله ملی را حل کنیم بعداً اختلافات درونی خودمان بپردازیم".
ما انتقاد ما کوشش در جهت عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش مسئله ملی به استئصال آشتی طبقات رفتن یک سیاست کاملاً بورژوازی است. سیاستی است که نه تنها مسئله را حل نمیکند بلکه آنگاه زمینداران و بورژوازی کرد باعث میشود که چرخ مبارزه ملی

بقیه از صفحه ۱۱

ریشه‌های بحران ...
وضعیت عالی، چنانچه ۲ و ۳ نفر زندگی کنند "وضعیت معمولی" چنانچه بیش از آن زندگی کنند "وضعیت متراکم" میباشد و بهمین ترتیب درموردستون های دیگر فرض کرده ایم. اکنون برای اینکه معلوم شود چند درصد از خانوارها دارای "وضعیت متراکم" اند (از لحاظ تمرکز جمعیت و شلوغی) به این ترتیب عمل میکنیم که هر یک از ارقام ستون ها را که بصورت اند با یکدیگر جمع کرده و در رقم مربوط به آن ستون که در ردیف بالا است ضرب میکنیم. سپس ارقامی را که بدین ترتیب از هر ستون

بدست می آید، با یکدیگر جمع میکنیم و بهمین ترتیب در مورد خانوارهای "وضعیت معمولی" و "وضعیت عالی" عمل میکنیم.
ارقام بدست آمده چنین است:
خانوارهای با "وضعیت متراکم" ۵۹٪
خانوارهای با "وضعیت معمولی" ۲۸٪
خانوارهای با "وضعیت عالی" ۱۲٪
بدین ترتیب همانطور که ملاحظه میشود در مورد حدود ۶۰٪ از خانوارهای شهری تراکم جمعیت حکمفرماست که مربوط به زندگی اکثریت زحمتکشان شهری میباشد.
ادامه دارد

و طبقه برای آگاهی جنبش کمونیستی ایران از ماهیت خرده بورژوازی و دمکراتیسم غیر-پرولتری حزب و متقاعد کردن کمونیستها به دمکرات بودن "حزب دمکرات" برای اتحاد - شان با حزب دمکرات خلاصه میشود. تا آنجا که نیز همچون خود رفقای فدائی بزائشده و دنباله رو حزب دمکرات تبدیل گردند!
رفقا شما با گفتن اینکه "آری حزب دمکرات همیشه خواسته های ملی خود را در درجه اول قرار داده است، حزب دمکرات بنا به ماهیت غیر پرولتری خود تصور میکند آشنایی طبقاتی، بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین مینماید و بخصوص تاکید میکند که در کردستان هر سبب - سنی که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار میدهد سیاستی "غیر عملی" است... و نازیمانی که شما عملیات لیمبرالی تان را در این مورد، تسلیخ و اجرا میکنید. برای حزب دمکرات با سیاست بورژوازی - ائی این جمع های نگرانی نیست!

رفقا! این حزب دمکرات نیست که دستخوش توهم باشد که بصور کد آشنایی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی است بلکه او در بیشتر منافع سنگ نظرات و محدود طبقاتی خود (بورژوازی) سیاست آشنایی طبقاتی را بهترین طریق نام منافع خویش، در ضدیت با خواسته های انقلابی و دمکراتیک شده ها میداند. و از همین موضع طبقاتی ضد پرولتری خویش است که تا کد میکند در کردستان هر سیاستی که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد، سیاستی "غیر عملی" است.
آری، رفقا!

"بگذار این "عملی" ناسیونالی دزمعبل مطمئن تراز هر چیز دیگری دمکراتیکترین راه طلبی ممکنه را تضمین میکند... آنچه بیش از همه مورد توجه بورژوازی است، " قابل اجرا بودن این خواست است و سیاست داشتی و بندوبست وی بسا بورژوازی ملت های دیگر ضرور سولیا - ربا از اینها سانی میشود. ولی برای پرولتاریا موضوع مهم عبارت است از تحکیم طبقه خویش سرمد بورژوازی و تربیت توده ها با روح دمکراسی پیگیر و سوسیالیسم. بگذار غرض طلبان این را غیر عملی بخوانند. ولی علم برغم فکود - دالها و بورژوازی ناسیونالیست این یکا به تصمیم عملی و حداکثر تضمین سراسری حقوق ملی و صحیح است. تمام وظیفه ای که پرولتاریا در مورد مسئله ملی برعهده دارد از نقطه نظر بورژوا - زی ناسیونالیست هر ملتیتی " غیر عملی" است. زیرا پرولتاریا دشمن هرگونه ناسیونالیسم است."

لنین - درباره خود مختاری فوریه ۱۹۱۴ (تاکید از ماست)



پایان

جدول ۲ - درآمد خانوارهای ساکن بر حسب تعداد خانوار و تعداد آنها

کسر ارقام	وضعیت متراکم <input type="checkbox"/>										وضعیت معمولی <input type="checkbox"/>										وضعیت عالی <input type="checkbox"/>									
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
جمع	۰/۵	۲۸/۳	۲۹/۶	۱۸/۰	۱۱/۷	۶/۱	۳/۲	۱/۳	۰/۷	۰/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲
۱ نفر	۵۲/۷	۱۵/۲	۳/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲
۲ نفر	۱۱/۹	۱۹/۸	۱۱/۲	۷/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۸
۳ نفر	۲۰/۶	۱۱/۲	۱۲/۱	۱۱/۲	۱۰/۲	۱۱/۰	۱۰/۹	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸
۴ نفر	۲/۹	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۵/۲	۱۵/۲	۱۶/۹	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸
۵ نفر	۵/۹	۱۲/۳	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸
۶ نفر	۲/۰	۵/۲	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸
۷ نفر	۱/۷	۲/۶	۱۰/۸	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۱
۸ نفر	۱/۸	۲/۴	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹
۹ نفر	۰/۲	۱/۰	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۱
۱۰ نفر و بیشتر	۲/۳	۰/۵	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱

بکار بسته اید و با کار خود در واقع ششوری مبارزه طبقاتی را رد کرده اید" - لنین - برخورد با حزب بورژوازی -

تصادفی نیست که رفقای فدائی با این - گونه تحلیل و این دیدگاه خود وظیفه کمو - نیستها را در برخورد با حزب دمکرات چنین تعیین می کنند:

"برخورد کمونیستها با حزب دمکرات باید بر پایه خط منی و سیاست آن حزب صورت گیرد و نه بر پایه مبارزه بسا "پورتونیسیم" در درون آن. مبارزه ایدئولوژیک با آنان نه بر پایه تصحیح انحراف آنان از مارکسیسم - لنینیسم بلکه برای توضیح ماهیت خرده بورژوا - شی و دمکراتیسم غیر پرولتری حزب برای جنبش کمونیستی ایران است (!؟) زیرا شرط اتحاد دنیوی با حزب دمکرات دقیقاً در همین مرز بندی قاطع نهفته است".
همه جا تاکید از ماست.

می بینیم که در این تعیین وظیفه، نه افشا و طرد لیبیرالیسم و ناسیونالیسم بورژوا - ائی مطرح است و نه راهائی توده های دمکرات تلاش برای تحقق آرمان انقلابی زحمتکشان و نه تبلیغ و ترویج آگاهی سوسیالیستی دمکراتیک در میان توده های کرد و مشکل نمودن و رهبری آنان تحت یک سیاست پیگیر پرولتری برای پیشبرد و به پیروزی رساندن انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی بلکه تمام

شیوه برخورد ...

حزب دمکرات میشود بلافاصله با اطلاق خملت ناسیونالیستی به "عموم خلق کرد در سطوح متفاوت" ماهیت طبقاتی بورژوازی حزب دمکرات با این سیاست مشخص بورژوازی برده پوئی میشود. این تاثیر پذیری از ناسیونالیسم در سطوح متفاوت و خملت ناسیونالیستی هم از نظر رفقای فدائی و با یک شیوه توجیه کارانه ناشی از "ستم ملی" است. و نه ناشی از حضور عینی طبقات بورژوازی و دهقانان کرد با منافع طبقاتی مختلف و متضاد، نه ناشی از مواضع طبقاتی مختلف بورژوازی، دهقانان و کارگران در برخورد با ستم ملی و بقایای مناسبات ارتجاعی فئودالی در جامعه سرمایه داری وابسته ما. نتیجه عملی این شیوه برخورد در واقع است: برده پوئی مواضع طبقاتی مختلف در مبارزه ملی و میدان دادن به پیشرفت سیاستهای ضد پرولتری بورژوازی.

اطلاق خملت ناسیونالیستی بتمام مواضع طبقاتی غیر پرولتری و قرارداد آنها در پوشش مبارزه برای مسئله ملی و پوئان شدن مرز بندی های طبقاتی ابدا نشانه یک نقد مارکسیستی نیست. "اگر نشان ندهید که منافع چه طبقاتی و چه منافع خاصی در ماهیت احزاب مختلف و سیاست هایشان در حال حاضر نقضش غالب دارند در واقع این مارکسیسم نیست که

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

قسمت آخر

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

یادداشت
استانداری خوزستان
توجه به عموم بویژه مراجع
مربوط در استان خوزستان

این توجه داده میشود که آقای شیخ مهنا مزرعه از دوستان است و در مسیر انقلاب اسلامی ایران تلاش دارد و کمک و مساعدت لازم را در این راه با این استانداری و دیگر کارگزاران دولت انقلاب می‌نماید.

دکتر مدنی - استاندار خوزستان
 ۵۸/۲/۱۸

مدنی درحالیکه عناصر مزدور و سرسپرده را باک و انقلابی قلمداد میکند، متقابلاً از نیروهای انقلابی کینه‌توزانه‌ی بزرگتی یاد میکند و به

یادداشت
استانداری خوزستان

این توجه داده میشود که آقای شیخ مهنا مزرعه از دوستان است و در مسیر انقلاب اسلامی ایران تلاش دارد و کمک و مساعدت لازم را در این راه با این استانداری و دیگر کارگزاران دولت انقلاب می‌نماید.

دکتر مدنی - استاندار خوزستان
 ۵۸/۲/۱۸

در زیر یکی دیگر از دوستان پاک مدنی جلا را بشما معرفی می‌کنیم. دوستانیکه مانند خود مدنی آنقدر سرسپرده و "پاکند" که حتی با آتش گلوله هم باک نمی‌شوند.

بر اساس سند شماره ۲، مدنی شیخ مهنا مزرعه را از دوستان خود معرفی میکند و هم اینان هستند که از طرف وی ما مورخ سلاح دشت آزادگان میشوند. اما شیخ مهنا مزرعه کیست؟ در سند شماره ۴ شیخ مهنا مزرعه خودش را این چنین معرفی میکند:

۴۷/۱۱/۱

اینجانب مهنا مزرعه - پدر جلاله افتخار مینما - یوم تقاضا دارم در اداره ساواک محترم خدمت ابراز میل و رغبت دارم همکاریهای لازم را در مواردیکه با اینجانب محبت نموده در راه خدمتگزاری به شاهنشاهی آریا مهر ارواح فداه و میهن همیشه آماده هستم.

مهنا مزرعه - امضاء

در اینجانب ساواک با استخدام دوست باک!! مدنی (۸) از در سند شماره ۵ میتوان یافت.

این تشریح بیش از پیش خود را معرفی و افشا میکند. وی در جواب خبرنگار آبیندگان که میپرسد: "وایماً صداقتی، چه گروهی است؟" میگوید: "تا آنجا که من تحقیق کردم یک گروه همان عناصر فاسد سابق اند. امتیازشان زمان رژیم سابق گروه دیگر، کداسی هستند که ارتباط تلویزی، جیب هستند، بلکه ماسک جیبی روی چهره خود کرده‌اند. ماه این عده میگوینم "ساواکی های کمونیست بعد". (آبیندگان ۱۵ خرداد ۵۸). وقتی همکاران

(۸) - استاد مربوط به مهنا مزرعه قبل از روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۱۵۸ درج شده است.

موافقت ساواک با استخدام مهنا مزرعه

استان خوزستان
 سازمان اطلاعات و ارتباطات
 شماره: ۱۵۳۳۰۹۴
 تاریخ: ۲۷/۱۰/۵۸
 بابت: ...

اینجانب مهنا مزرعه (۸) ...
 ۴۷/۱۱/۱ - ۲۷/۱۰/۵۸

با پیشنهاد آتساواک در مورد استخدام نامبرد مهنا مزرعه با مقصود ما هیئت ۱۵۰۰ ریال موافقت گردیده و دستور فرمائید تاریخس را کماستخدام و ورجعی خواهد شد. اعلام نماید تا نسبت به تعیین شماره مزرعه و اخذ و تصدیق اقدام شود. نسبت به تهیه ارسال سند ارتک استفاده اسی شماره (۸) بویگرافی طبق بد و قطعیه مکرر و برگه رونوشت شناسنامه. تمهید ناموسوگند نامه) نیز اقدام نمایند.

رئیس ساواک استان خوزستان

چون نامه با این بابت ...
 تاریخ: ۲۷/۱۰/۵۸
 رقم و نام: ...

افتخار به همکاری با ساواک

اینجانب مهنا مزرعه - پدر جلاله افتخار مینما - یوم تقاضا دارم در اداره ساواک محترم خدمت ابراز میل و رغبت دارم همکاریهای لازم را در مواردیکه با اینجانب محبت نموده در راه خدمتگزاری به شاهنشاهی آریا مهر ارواح فداه و میهن همیشه آماده هستم.

مهنا مزرعه - امضاء

ریاست ساواک دشت میشان
ساواک خوزستان

بخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س، ا، و، ا، ک

درباره (مهنامزرعه) اسم مستعار علیزاده شماره متبوع ۲۷۲۳
عطف ۴۷/۹/۱۸-۳۶/۲۶۵۹/۴۷

بایشتهاد آن ساواک در مورد استخدام نامبرده بالا
بامقرری ماهیانه ۱۵۰۰ ریال موافقت گردیده. دستور فرمائید
تاریخی راکه استخدام وی عملی خواهد شد اعلام نمایند تا

نسبت بتعیین شماره رمز و پرداخت مقرری وی اقدام شود. ضمناً
نسبت به تهیه و ارسال مدارک استخدامی مشارالیه (بیوگرافی
ملصق بد و قطعه عکس. دوبرگ رونوشت شناسنامه. تعهدنامه،
و سوگندنامه) نیز اقدام نمایند.

رئیس ساواک خوزستان س.م. خاوری

آقای ناصری توجه و اقدام گردد
۴۷/۱۰/۲۹

چون نامبرده بالا باین جانب تماس ندارد مقرر فرمائید
ضمن ملاحظه فرم نشان کردن وی او امر مقتضی صادر فرمائید
۴۷/۱۰/۲۹

ناصری

اما سیستم توده‌های آگاه‌ها ریش نسبت
بمدنی چگونه رسا و شناختی دارند.
طبق خبرموشن در تاریخ ۵۸/۷/۲۲ دربر-
نامه صحتکاه عمومی با دکان اجوازه کدبا شرکت
تمام یکا شهای لسکروار سمام ماطق خوزستان
برگزار شده بود. مدنی به عنوان فرمانده
شروی در باشی، همراه یکمفرروحانی دربراسم
شرکت میکند.

هنگامیکه فرمان رژه داده میشود، هیچک
ازیرستل واکنشی ازخودنشان نمیدهد پس از
چندلحظه با شمار شورا های با دکان ایجاد باید
گردد. مدنی اقدام با بدگردد، بطرف مدنی و
همراه روحانش حمله ورمشوند. درایتموقع
فردروحانی که دوربین همراهش داشته شروع
به عکسبرداری از صحنه، تنها جم میکند. وقتی
سربازان و درجه داران متوجه عمل او میشوند
روی سرش می ریزند و با تسکتن دوربیش او را
بشدت کتک زده و تمام لباس وعماهایش را
بپاره میکنند.

مدنی که وضع را اینچنین میبیند، بسوی
اتوموبیل خود فرار میکند، ولی پرسنل دلیر
ارتش او را از ماشین پاشن کشیده و مورد باز-
خواست قرار میدهند. جناب تیمسار بارانک
پریده و حالت زبون می گوید: "فرمانده لشکر
به تهران رفته است. دربارکتب حتماً خواسته-
های شمارا برآورده خواهد کرد! ... و سر-
انجام با کلی التماس و وعده و وعید از مپلکنه
جناب سالم بدرمی برد.

حرف آخر اینکه مدنی کورخوانده است،
دیرنیت آن رمانکنه خلق قهرمان ایران
توهماتش کا ملا شکسته شود دوست دشمنش را
بهنریشنا سدو با شناختن مهره های جلادی چون
او، آنها را به زباله دان تاریخ برنات کند.

جمهوری مدنی در دانشگاه های اروپا و آمریکا

۱- حمایت آقای صادق طبزاده از اسان -
دارخوزستان و سانسور خیرها و تبلیغات
گسترده رادیو تلوزیون سنیغ ایثان " .
(بتخل از اطلاعات، سه شنبه اول آبان ۵۸)

مسئله رئیس جمهوری مدنی
اکنون با توجه به مثالهایی که ذکر شد،
مدنیان فهمیدند افرادی که برای رئیس جمهور
شدن مدنی تلاش می کنند در طرف او تبلیغات
وسروعداره می اندازند از چه قماشند! بدشک
دستهای پشت پرده ای که در این رابطه به مدنی
باری میکنند، آلوده و در خدمت امپریالیسم
آمریکاست.

البتهمدنی هر بار که در مصاحبه ای در این
مورد از اسوال شده، مودبانه اول کمی تعارف
کرده که: من تمایلی به رئیس جمهوری ندارم و
مایلم که به محیط درس ودانشگاه برگردم...
اما بلافاصله اضافه کرده است که، البته اگر
مردم بخواهند، کاری نمیتوان کرد و باید بگذرد
تهاد.

وی حتی وقتی هم که به اصطلاح استعفا
میدهد تا امتیاز بیشتری بگیرد و جناحهای
مخالف را سر جایشان بنشانند، دبیلمتیبک
برخورده و مشروط استعفا میدهد تا امکان
مانور داشته باشد. به گفتگوش با روزنامه
با مداد توجه کنید، همچنان دم خروش تمایلش
پیداست: "مدنی است که از سهران تحریکاتی
طلبه خورستان میشود... چون احساس کردم،
موضوع فقط من هستم... لذا بهتر است کنار
بروم. البته اگر امراری است که در اینجا
باشم شرط ایست که تا اول آذر ماه تکلیف مناسر
آسوب طلب روشن شود." (با مداد، شنبه
دوازدهم آبان) .

دوسه روز بعد از اعلام استعفا مشروط
مدنی، همپالکهای وی (مجمع عمومی شورا-
های شورشی ستاد و با بگا های مختلف نیروی
در باشی) (میتوان حدس زد که این شورا
چگونه شورائی است) طی بیانیه ای نگرانی
خود را از این امر اعلام می دارند و بطور ضمنی
از مدنی بعنوان فرزند راستین انقلاب یاد
میکند که دشمنانش علیه او مطالب " مغرضانه
و واهی منتشر میکنند... (اطلاعات سه شنبه
۱۵ آبان ماه) همین اشاره از بیانیه
کافیت تا آنجائی راکه از مدنی حمایت کرده-
و او را فرزند راستین انقلاب قلمداد کرده -
اند، معرفی نماید.

مدنی، (ساواک و سربسردگان رژیم فاشی-
نازه) انتقالی و پاک معرفی شوند، طبیعتی
است که فرزندان راستین خلقی کد طلی مبارزات
خوبستمان با رژیم نازه امتحان مذاقت و یا -
سداری خود را سب داده اند، ساواک و کپهای
کنویست سنا طلبدا دشمنند.

آنچه که با اسخا در مورد مدنی گفته شد به
وجود مساوید پیروزه، مردود او را محض کند، اما
ار آنجا که اسعنا سنا سنا بر ما سنا در دست آزادگان
جاوی نکات قابل توجهی است نسبت به ایسی از
آترامی آوریم .

انصرا را همین فرماندار دست آزادگان
کده عنوان انصرا نلیسه مدنی (و در واقع
و سنا انصرا لیا دسنا طرد رگبر سنا نای دسنا نغ
دسنا حی) استعفا کرده، در نامه خود نوشته است
که مدنی ملسوسنا تومان از نیت المال را
برای ملسنا سنا شخی خود، به روحانی شماها
بردا حنه و انفرادنا و اکی و فاسدرا سنا سنا
مبارور و مسئول در اسناداری، سنا ر گرفته
است. قسمتایی از متن استعفا نامه فرما -
ندارد سنا آزادگان شرح زیر است:

۱ - حمایت علمی و رسمی اسنادار خوزستان
ارشا سورخنا روخته کسری در سراسر
روجا نیت مرفنی و جوانان ملسمان انقلابی
۲ - سنا رگرفتنی آگاهانه افراد با واکسی و
مربح و فاسد سنا سنا و سنا سنا سنا سنا سنا سنا

۳ - دستگیری مردم سنا سنا و انجام جنایات
سنا رشی جهت تحکیم موقعیت سنا سنا
اسناداری خوزستان .

۴ - سنا انقلابنا مدن هر معترضی و هر منتقدی
از طرف اسناداری

۵ - انتخاب فرمانداران و شهرداران نظامی
در شهرهای مختلف استان خوزستان

۶ - ایجاد کمیته استحقاقی از درجه داران
وسربازان ارتش و پرداخت حقوق کلان و
امکانات و استعفا ده زانان بعنوان کاردار
جاویدان .

۷ - برداخت ملسوسنا تومان سود حبیث المال
بدروحانی شماها و شوخ جهت نشیبت
موقعیت تبلیغات شخصی .

۱ - برداخت هزینه های با با علامیه و سوسنر
تلیفات تر با ست جمهوری از نیت المال
مسلحین .
۲ - اعزام افرادی سنا راج از کشور چسبیت
سنا رانی و بخش اعلامیه در رابطه با ریاست

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما، همواره با پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما، توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش ببرد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که می توانید، بدست ما برسانید.

چگونه بورژوازی، کارگران مبارز و حق طلب را تهدید میکند؟

"مروری بر پیام شورای انقلاب"

پی پاشین آوردن دستمزدها از طریق قطع پرداخت سودویژه، نیز هست و شورای انقلاب با چنین استدلال دروغس تنها مشت خود را در پیش کارگران که ارقام و آمار درست و نادرست را قبل از هر چیزی، بایست و گوشت خود و در زندگی روزمره شان لمس میکنند و تشخیص میدهند، باز می کند .

اما آنچه "شورای انقلاب" بنا بر ماهیت بورژوازی خود همچون نمینواند درک کند این است که آیا اساساً کارگر میتواند با ۵۷۶ ریال مزد (که گفتم به جوجه درشت تر از این ها برداخت نمیشود) زندگی کند یا نه؟

این قانون اساسی باز شده است و معلوم گردیده که آنان برای همیشه خواهان وابستگی هستند .

در این پیام "شورای انقلاب" از دو برابر شدن مزدها حرف زده است. اما ببینیم واقعیت چیست؟ در تاریخ ۲۰ تیر ماه مزد کارگران ساده ظاهراً از ۲۱۷ ریال (مزد رسمی قبلی) به ۵۷۶ ریال افزایش یافت. میگوئیم ظاهراً، چرا که همه میدانیم در اکثر بخشهای صنعتی و تولیدی و حتی کشاورزی مزد واقعی کارگر ساده بیشتر از این مبلغ بود (و تنها در رشته های بسیار عقب مانده

کارگران به این دلیل ساده که مزد آنان کمتر از آن است که بتوانند با آن زندگی حداقل داشته باشند بر علیه سرمایه داران مبارزه میکنند. (تفاوت ۵۷۶ ریال با ۱۰۴۰ ریال خود منطبق ساده ما برائی است) و شورای انقلاب نیز درست به این دلیل ساده که علیرغم هر ترک و لعاب مذهبی و انسان دوستی که بر چهره زند، از درک رنج و خواست کارگران عاجز است، آنان را تهدید میکند!

بعد شام و شونه برای کارگران مبارز بکشد، کارگرانی که در بی احقانی حق خود هستند در استعما حدودی را که در زمان شاه خائن برای پرداخت حداقل دستمزده کارگران تهیه شده است در پیش روی همه میگذاریم، تا خود قضاوت کنند که زندگی کردن با ۵۷۶ ریال یعنی چقدر آسان و آسودناک است. اگر کارگری بخواهد حداقل آنچنان که رژیم شاه بر سمیت شناخته است زندگی کند جز مبارزه کردن با سرمایه دار و دولت حامی او، راهی دارد؟

بنقل از کتاب قانون کار انقلابی از انتشارات سازمان

حداقل نیازمندیهای زیستی

بک خانوار ۴ نفری تازه کاری در ایران

بمقتور بر آورد حداقل دستمزد کارگران

(بسمت ها مرسوم به او حسب نیاز ارسال است)

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در هر سال به کیلوگرم	تاریت واحد کالا	قیمت کل	
			بر اساس قیمت (ریال)	خرده فروش
الف- خوراک	مصرف در روز بر حسب گرم			
نان	۳۰۰۰	۱۰/۲۵	۲۷۲۵۰	۲۵
برنج چپا	۲۵۰	۲۱/۲	۶۸۴۰	۷۵
حبوبات	۱۰۰	۳۱/۵	۳۱۵۰	۱۰۰
گوشت گوساله	۲۰۰	۷۳	۱۴۶۰۰	۳۰۰
روغن نباتی	۱۰۰	۳۶/۵	۳۶۵۰	۷۰
ماست	۲۰۰	۷۳	۱۴۶۰۰	۵۰
بنیوسر	۵۰	۱۸/۲	۹۰۰	۱۸۰
قند	۵۰	۱۸/۲	۹۰۰	۳۵
شکر	۱۰۰	۳۶/۵	۳۶۵۰	۳۰
چای	۲۰	۷/۳	۱۴۶۰	۴۰۰
سبزی	۲۰۰	۷۳	۱۴۶۰۰	۳۰
اسفنج	۸۰۰	۲۹۳	۲۳۴۴۰	۳۰
گوجه قرمز	۲۵۰	۱۱/۲	۲۷۲۶	۳۰
سیب زمینی	۲۵۰	۱۱/۲	۲۷۲۶	۳۰
میوه	۸۰۰	۲۹۲	۲۳۴۴۰	۵۰

چنین مزدی پرداخت میشد) و در اکثر بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدمات، حداقل مزد بیش از ۳۰۰ ریال بود، گذشته از این، این افزایش مزد (با همین نسبت) شامل همه کارگران یعنی کارگران با سابقه و فنی نمیشد. از این نیز که بگذریم، آیا میتوان مزد واقعی را بدون توجه به میزان افزایش قیمتها (گرانی) سنجید؟ آیا از تیرماه تاکنون قیمتها ثابت مانده است؟ همه نا حدیم که نه! افزایش قیمتها از اول سال جاری تاکنون به گفته آقای غفوری در "مجلس خبرگان" حدود ۴۲/۵٪ است، که با این حساب میتوان گفت که در ۵ ماه اخیر (یعنی از زمان افزایش دستمزدها تاکنون) قیمتها حدود ۲۵٪ بالا رفته و با صادرات دیگر قدرت خرید کارگران ۲۵٪ باین آمده است. اما قضیه فقط بدینجا ختم نمیشود. اخیراً هیئت حاکمه از طریق "وزارت کار" درصد اجرای توطئه ای بر علیه کارگران شافل است. باین معنی که می- خواهند پرداخت "سودویژه" را که چیزی نیست جز جزیئی از حقوق کارگران، قطع کنند. اگر در نظر بگیریم که مبلغ سودویژه پرداختی به کارگران حدوداً بمیزان ۳ ماه مزد سالانه است (برخی جاها کمتر و برخی جاها بیشتر) بنا بر این هیئت حاکمه برای عدم پرداخت ۲۵٪ از مزد کارگران در حال تلاش است (۳ ماه مزد برابر ۲۵٪ مزد سالانه است ولی اگر از مجموع ۲۵٪ با اضافه مزد اصلی سالانه، ۲۵٪ را کم کنیم، نسبت باین آمدن مزد ۲۵٪ میشود) بنا بر این ملاحظه میشود که از ابتدا مزدها واقعاً دو برابر افزایش داشته است و نه اگر دو برابر شده مزد تمام کارگر آن دو برابر شده و نه از آن زمان تا بحال قیمتها ثابت مانده و تازه وزارت کار در

"شورای انقلاب" پیامی بتاريخ ۱۸/۲۶ منتشر ساختند و طی آن هرگونه نظرات و محض و اقدام مبارزاتی را از جانب کارگر-ان ممنوع اعلام کرده است. "شورای انقلاب" در این پیام کارگران را به مجازات تهدید کرده و مبارزه آنان را بر علیه ظلم و ستم کارفرمایان و مبارزه برای کسب حقوق صنفی و علیه بیکاری، عملی "فدائقلابی" خوانده است. این اولین تهدید "شورای انقلاب" و "دولت" نیست و مسلماً آخرین آن نیز نخواهد بود. قبیل از این نیز "شورای انقلاب" با تصویب ماده ۹ قوانین "جرائم ضد انقلاب" برای کارگران بیشتر و اعتصابی مدت ۲ تا ۱۰ سال زندان معین کرده بود! بازرگان این خائن به انقلاب و خلق که ۹ ماه تمام، شب و روزش را در تلاش برای نوسازی سیستم سرمایه داری وابسته، ارتش شاهنشاهی در هم ریخته و ادا زات فاسد شده گذرانده است، فضل از این در اکثر نطقهای رادیو تلویزیون بوی خود، کارگران مبارز و حق طلب را "فدائقلابی" معرفی کرده است!! و بدین ترتیب کوی کارگران آگاه از این نسوع نامقدارینا که کاملاً نابسته گویندگانش است بر می باشد.

آری، رفقای کارگر اینک با تغییرات جدید در ترکیب هیئت حاکمه، شورای انقلاب که ۹ ماه تمام در کنار همان آقای بازرگان نقش همدست و همکار وی را بازی کرده است، زنت های انقلابی میگردد. آنها او کجوری مبارزات فدا میریالیستی خلق را بهانه قرار داده و درست کارگرانی را تهدید میکند که آگاه و ضد امیرالیست واقعی هستند و در ۹ ماه اخیر، شعارهای فدا میریالیستی را که امروز توده ها در سطح گسترده ای به کوچه و خیابان آورده اند، تکرار می کردند. با این نیرنگ بازی که گویا مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران وابسته و بزرگ، از مبارزه فدا میریالیستی جداست!

"شورای انقلاب" از "ملی" شدن صنایع حرف میزند، ما میپرسیم که آیا "ملی" شدنی که مورد پسند آقای بازرگان بود، می-تواند مورد قبول کارگران نیز باشد؟ "ملی" شدنی که در آن سرمایه داری وابسته سرچایش میماند و تنها برخی از سرمایه های وابسته خصمی (نظیر لاجوردی، خیامی...) دولتی میشود، بدون اینکه در آن وابستگی به خارج قطع گردد، بدون اینکه حتی یک قران سرمایه خارجی که خون کارگران ما را مکیده است صادره شود. آری، چنین باصلاح ملی شدنی دردی از کارگران ما را دوا میکند؟ مسلماً، نه! شورای انقلاب نمیتواند از "ملی" شدن صنایع حرف میزند چرا که در قانون اساسی خیرگان سرمایه داری وابسته بر سمیت شناخته شده است. یعنی تمام آن فریبکارانی که می گویند اگر وابستگی را بلافاصله قطع کنیم اقتصاد فلج میشود و کارگران بیشتری بیکار میشوند، استدلالاتی که عده ای از همین اعضای شورای انقلاب هم میکنند، مشت تان با تصویب

همانطور که ملاحظه میکنید حداقل مزدی که کارگر بتواند با آن زندگی کند (البته این جدول نشان میدهد که سرمایه داری چه در زمان شاه و در حال حاضر چگونه زندگی ای را برای کارگران برسمیت شناخته است) مساوی ۸۲۲ ریال در روز است و اگر در نظر داشته باشیم که حداقل از زمان تهیه این آمار تا کنون قیمتها ۲۵٪ بالا رفته است، این حداقل زندگی امروز با ۱۰۴۰ ریال امکان پذیر است. ۱۰۴۰ ریال را مقایسه کنید با ۵۷۶ ریال (که تازه همه جا پرداخت نمیشود) آنوقت ذات بورژوازی و ضدکارگری "شورای انقلاب" را خواهید دید. آنوقت خواهید دید که اینان ما هیت بورژوازی خود را در پرده ای از پدرمایی به مردم (بخوان دیدگاه چوپان گلگه ای) پوشانده اند و برسوکارگران منت میگذارند که ما حقوق شمارا دوبرابر کردیم و ... چگونه در عمل و حتی در حرف زدن و تبلیغات همان سیاست بورژوازی رژیم گذشته را دارند!

آری، کارگران به این دلیل ساده که مزد آنان کمتر از آن است که بتوانند با آن زندگی حداقل داشته باشند بر علیه سرمایه داران مبارزه میکنند (تفاوت ۵۷۶ ریال با ۱۰۴۰ ریال خود منطق ساده اما برایی است) و شورای انقلاب نیز درست به این دلیل ساده که علیزغم هر رنگ و لعاب مذهبی و انسان دوستی که بر چهره زند، از درک رنج و خواست کارگران عاجز است، آنان را تهدید میکند!

اما تهدید "کارگران بیکار" که برای کار، "حق بیمه بیکاری"، داشتن محلل تشکیلات و ... مبارزه میکنند بمراتب از "تهدید" کارگران شاغل، ارتجاعی تر است و به بهترین وجهی سیمای "مستضعف دوستان" را نشان میدهد. از نظراین آقایان حقوق ساواکیها باید پرداخت شود، حقوقهای کلان مدیرکل ها و روسای بزرگ رژیم شاه باید پرداخت شود، غرامت به سرمایه داران خارجی باید پرداخت شود، حق سرمایه داران بزرگ وابسته و داخلی (منهای فاسدترین و تنبیه - کارترین آنان نظیر دربار و نزدیکان آن) محفوظ است ... اما کارگر بیکار حق ندارد برای نجات از گرسنگی مبارزه کند!!
رفقای کارگر!

کارگران شاغل و کارگران بیکار! هماننانکه ملاحظه میکنید شما هر دو با یک سیاست واحد ضدکارگری در معرض تهدید و توطئه قرار دارید. شما که ۹ ماه تمام توسط نمایندگان آگاه و مبارز خود خواستار قطع سلطه امپریالیستها بوده اید و حتی بسیاری از مبارزات و تحصنهای شما به این خاطر بوده است که سرمایه داران وابسته را از مونسه

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالا (ریال)	قیمت کل (ریال)	نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالا (ریال)	قیمت کل (ریال)
آب	-	۱۰۰	۱۲۰۰	بوشناک	۱ دست	۵۰۰۰	۵۰۰۰
روشنائی	-	۱۰۰	۱۲۰۰	کتشلوار نخ پشمی	۳ عدد	۱۰۰۰	۳۰۰۰
سوخت (گاز، هیزم و کبریت)	-	۳۰۰	۳۶۰۰	پیراهن	۳ عدد	۳۰۰	۹۰۰
ذبحهداشت و نظافت	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰	زیرپیراهن	۳ عدد	۳۰۰	۹۰۰
حمام برای مرد (هرماه سه بار)	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰	حیراب	۴ جفت	۵۰	۲۰۰
حمام برای زن (هرماه سه بار)	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰	یک جفت کفش	۱ جفت	۱۶۰۰	۱۶۰۰
حمام برای کودکان (هرماه سه بار)	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰	بلوز پشمی (هرسه سال یک عدد)	۱ جفت	۳۰۰	۳۰۰
اصلاح سروصورت مرد (هرماه دو بار)	۲۴	۱۰۰	۲۴۰۰	پالتو (هر سه سال یک عدد)	۱ جفت	۱۲۰۰	۱۲۰۰
اصلاح سروصورت زنان (هرماه دو بار)	۲۴	۱۰۰	۲۴۰۰	پیراهن تابستانی جیت	۲ عدد	۵۰۰	۱۰۰۰
صابون برای دستشویی لباس (هرماه ۴ قالب)	۴۸	۱۵	۷۲۰	پیراهن زمستانی	۲ عدد	۱۰۰۰	۲۰۰۰
صابون برای مصرف روزانه (هرماه ۱ قالب)	۱۲	۲۰	۲۴۰	جوراب نخی	۲ جفت	۲۱۰	۴۲۰
خانواده، بیمه درمانی است	-	۵۰۰	۱۲۰۰۰	پوشش زیر شامل دو قطعه)	۲ دست	۲۵۰	۵۰۰
و-آموزش	-	۵۰۰	۱۲۰۰۰	بلوز پشمی (هر سه سال یک عدد)	۱ جفت	۳۰۰	۳۰۰
لوازم التحریر	-	۲۰۰	۲۴۰۰	کفش یا گالش	۲ جفت	۱۰۰۰	۲۰۰۰
ز-آب و دهان	-	۲۰۰	۲۴۰۰	روسری	۱ عدد	۲۰۰	۲۰۰
معاشین و مسافری تفریحی	-	۲۰۰	۲۴۰۰	چادر نماز جیت	۲ عدد	۸۰۰	۱۶۰۰
آب و دهان روزانه (۴ بلیط دورانی برای خانوار)	-	۲۰۰	۲۴۰۰	فروندان:	دو دست	۲۰۰	۴۰۰
دید و بازدید خانوار از دوستان و بستگان (ماهی یکبار)	-	۱۰۰	۱۲۰۰	کت و شلوار (هریک یک دست در سال)	۴ عدد	۶۰۰	۲۴۰۰
مسافرت خانوادگی به محل زادگاه خود (سالانه یکبار)	-	۲۰۰	۲۴۰۰	پیراهن (هریک دو عدد در سال)	۴ عدد	۸۰	۳۲۰
زیارت ماهیانه یکبار	-	۲۰۰	۲۴۰۰	زیرپیراهن (۲ عدد در سال)	۴ عدد	۲۵۰	۱۰۰۰
جمع کل (حداقل هزینه زندگی سالیانه خانوار کارگری)	-	-	۳۰۲۷۲۱	جوراب (هریک سه عدد در سال)	۶ جفت	۴۰	۲۴۰

• اینجوس دو ریال، دیگر تقریباً وجود ندارد. به همین جهت بلیط پنج ریالی حساب بکنیم.
حداقل هزینه زندگی روزانه خانوار کارگری (ریال) $302721 \div 365 = 822$
حداقل دستمزد روزانه کارگر (بر اساس حداقل هزینه زندگی روزانه خانوار کارگری) = ۸۲۲ ریال
حداقل دستمزد ماهیانه کارگر (بر اساس حداقل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگری) = ۲۵۳۱۰ ریال - ۱۰ و خرابها را مسال -

خود بیرون بیاندازید، و آنرا واقعاً ملی کنید، اکنون درست از جانب کسانی که ۹ ماه تمام سرمایه داری وابسته را حفظ کرده اند و اخیراً آنرا با قانون اساسی جدید رسمیت نیز بخشیده اند، در معرض حمله قرار گرفته - اید، تنها از طریق شکل و اتحاد با یکدیگر و پرهیز از هرگونه برخورد های حساب نشده

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



بقیه از صفحه ۲

امپریالیسم آمریکا ...

هوااره توسط امپریالیسم آمریکا و نوکر حیره حواری ، شاه فراری در خدمت مائین عظیم جنگی آمریکا قرار گرفته و عوارضات افزایش قیمت نفت ، سیم مسری از آن ، اختصاص به امور نظامی یافته است . مثلا در سال ۱۳۵۳ همزمان با افزایش قیمت نفت توسط کشورهای نادر کسیده نفت (اوک) که به پنج برابر قیمت قبلی رسد و درآمد ایران بطور ناگهانی چند برابر شد ، بموازات آن با جنین بولینا - سی طرفیت خرید سلحه سیر افزایش سرمایه - آوری پیدا کرد . بطوریکه در همان سال ، سوخته دفاعی کشور نسبت به سال قبل ۱۴۱ درصد فزونی گرفت!

فروشن سلحه و مهمات از جانب منابع نظامی آمریکا به ایران که زیر نظر شخص شاه انجام میگردید ، مصالح عظیمی نیز بصورت حق دلالتی ورشود نصیب شاه و خاندان نتکین او و امثال طوفانیان خاص میبود . مردم محروم و ستمدیده ایران میبایست بول این رشوهها و حق دلالتی را را سر بپردازند ، چرا که فروشندگان آمریکائی این بولها را نیز به قیمت های رسمی تجهیزات نظامی میافزودند . شاه هرازگاه سعی میکرد این اتهامات را از خود دور نموده و متوجه بعضی از امرای لشگری و کشوری بشماید و گاه حتی تعدادی از آنها را بههمین دلیل محاکمه می کشید . محاکمه فرمانده نیروی دریائی در سال ۱۳۵۵ و سیا فرمانده ژاندارمری در سال ۱۳۵۲ از این جمله اند . ندر جریان تحقیقات کنگره آمریکا در سال ۱۳۵۵ که برای بررسی دزدیهای آشکار در معاملات سلحه تشکیل شد ، فاش شد که افراد بسیار مهمتری در اینگونه فعالیتها شرکت داشته اند ، مثلا معلوم شد که شهرام پسر ابرو و همچنین خاتمی فرمانده نیروی هوائی هر دو دلال کیمیائی نورتروپ بوده اند که از این طریق مصالح هنگفتی نصیبشان شده است . بیشترین خریدهایی نیروی هوائی - خصوصی اختصاص داشت که مخارج آن تا حال ۱۳۵۵ به ۱۱/۸ میلیارد دلار بالغ بوده است . رژیم شاه در اواخر سال ۱۳۵۶ تنها در یک قلم - ۲۹۰ فروند هواپیمای اف - ۴ (فانتوم) ۱۶۰۰ فروند اف - ۱۶ ، ۸۰ فروند اف - ۱۴ و ۳۳ فروند اف - ۵ سفارش داد که میبایست طی دو سال تحویل ایران گردد . طی همین سال مبلغ فروش سلحه آمریکا به ایران رقم نجومی ۵/۵ میلیارد دلار بوده است . لازم بذکر است که این خریده تقریبا ۱۱/۵ برابر قیمت بین المللی برای ماتام میشده است . مثلا هوا - پیمای اف - ۱۴ که توسط کیمیا نیهای آمریکا - شی به قیمت ۱۰۰ میلیون فرانک به نیروی دریائی آمریکا فروخته میشد ، در همان زمان (با در نظر گرفتن اینکه اجناس صادراتی

معمولا ارزانتر است) به قیمت ۱۵۰ میلیون فرانک در اختیار ایران قرار میگرفت . در گزارش کمیته سنای خارجی آمریکا در سال ۱۳۵۵ گفته شده است که تنها در طی سالهای ۵۵ - ۱۳۵۱ مبلغ کل فروش سلحه به ایران بالغ بر ۱۰/۴ میلیارد دلار بوده - است . این ارقام سرام آورتنه به خرید سلحه از آمریکا مربوط میشود ، طی ایسن سالها سل سلحه از کشورهای امپریالیستی دیگر نیز از جمله انگلیس ، فرانسه ، آلمان

جهنی اش در خدمت به امپریالیسم آمریکا و سرکوب خلقهای ایران و منطقه ، خلقهای ستم - دیده ایران را هرچه بیشتر متقا عدمیکند که بدون دگرگونی اساسی وریشه ای در ارتش ، کاری که در دیگر زمینه های اقتصادی و فرهنگی نیز باید تحقق پذیرد ، هیچ حرفی از قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا نمیتواند در میان باشد . بدیهی است استرداد شاه خائن و محاکمه او در ایران که خواست عموم ملت ایران است حقایق بشمارای را در رابطه با

بدون دگرگونی اساسی وریشه ای در ارتش ، هیچ حرفی از قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا نمی تواند در میان باشد .

نوکران بومی امپریالیستها در درون ارتش و در لباس ارتش جمهوری اسلامی ، گماکان مشغول انجام "وظیفه" می باشند .

اشکال مختلف وابستگی ایران به آمریکا ، نشان خواهد داد . اما مسئله این است که شونده های ما شاهد بوده اند که هیئت حاکمه فعلی در عرض ۹ ماه اخیر خا فرشته اسراری را که پیش خود دارد برای خلق افتنا سازد و حتی هنوز محتوای قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا نیز برملا نشده است .

در حال حاضر کسانی که تفسیر نام ارتش تا هشتا می به ارتش جمهوری اسلامی و اعدام کشی چندا زمرده های شناخته شده امپریالیسم را در ارتش کافی دانسته و کسانی را که خواهان دگرگونی اساسی در نظام ارتش ایران هستند ، آماج حملات خود قرار میدهند ، کسانی که فرماندهان مزدور شاه و امپریالیسم را نظیر شاکر ، فلاحی و ... به کار گماشته اند و عناصری نظیر چمران این چهره شناخته شده و حامی امپریالیسم آمریکا را در رأس ارتش قرار داده اند ، کسانی که حتی یک فرمانده ارتشی را بحرم کشتار خلق عمان (ظفار) به محاکمه نکشیده اند و برعکس آنرا همچنان بخدمت کمارده اند و ... دانسته یا ندانسته راه خیانت به خلق را سرگزیده و آب به آساب امپریالیستها میریزند .

اکنون که خلق قهرمان ایران یکبارچه خواهان استرداد شاه خائن میباشد ، برخی محافل حاکم سعی دارند آگاهانه این امر را چنان بزرگ نمایند که مسئله اصلی ، یعنی امپریالیسم جنایتکار آمریکا این دشمن اصلی خلقهای ایران ، تا حد امکان از دید توده ها پوشیده بماند . بدیهی است که خلقهای ایران که بدرستی دشمن اصلی خود را امپریالیسم آمریکا تشخیص داده اند ، دیگر اجازه نخواهند داد تا زیر شمارهای ضد امر - یکائی ، مسئله وابستگی های اقتصادی ، نظامی و فرهنگی کم رنگ شده و از تعرض توده ها در امان بماند . قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا ! اینست محور اساسی خواستهای خلق ، اینست استقلال

و ... به کشور ما - در مقابل غارت نفسست - جریان داشته است . کافی است بعنوان نمونه فروش سلحه انگلیس به ایران را طی سال ۱۳۵۲ در نظر آوریم که طبق ادعای حسود انگلیسیها ، ایران بزرگترین مشتری صنایع نظامی امپریالیسم انگلیس بوده است (روزنامه تایمز لندن "ماه مه" ۱۳۵۷) . بطوریکه طی همان سال ۶۰ درصد صادرات سلحه انگلیس به ایران فروخته شده است .

همانطور که در بالا گفته شد ، جریان سبیل آسای سلحه و مهمات جنگی بایران ، همراه بوده است با حضور خیل جا بویان امپریالیسم که تحت عناوین کارشناس و مستشار نظامی در ایران فعالیت میکردند . بطوریکه در سال ۱۳۵۷ نزدیک به ۵۰ هزار کارد نظامی آمریکا ، همراه با خانواده هاییشان در ایران اقامت داشتند . اینهمه علاوه بر آن نوکران بومی امپریالیستها در درون ارتش است که هم اکنون نیز در لباس ارتش جمهوری اسلامی ، مشغول انجام "وظیفه" میباشند . طی سالهای گذشته امپریالیسم آمریکا از طریق ژاندارمری منطقه ای خود ، رژیم شاه ، نه تنها کوچکترین ندای آزادیخواهی را در درون کشور در گلو خفه مینمود ، بلکه در سرکوب جنبشهای آزادیبخش منطقه نیز مستقیماً شرکت داشت .

برسئل هوائی آمریکا ، مستقر در ایران همراه با همقطاران ایرانیان در جریان جنگ کردستان عراق و همچنین تنها جم و حشیا نه به ظفار شرکت مستقیم داشته است . رژیم شاه با فرستادن سلحه و مهمات به رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی و پشیمان جنوبی ، اردن ، مراکش ، سومالی و یمن شمالی که همگی به قیمت فقر و محرومیت خلقهای ایران ، در خدمت منافع اربابان امپریالیست صورت میگرفت . وظیفه ژاندارمری خود را بخوبی ایفا نمیکرده است شناخت هرچه بیشتر از چگونگی و عملکرد ارتش تا هشتا می در طی سالهای گذشته و نقش

همه قرارداد های اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد !

بقیه از صفحه ۲

رفران دوم ...

اساسی به چنین خواسته‌های پاسخ نمی‌دهد.

زحمتکشان مادران این مرحله از حیات اجتماعی خویش، خواستار محدود شدن مالکیت بزرگ هستند. اما قانون اساسی با بکار بردن اصطلاح "مالکیت مشروع و مشروط" راه را، هم برای غارت سرمایه‌داران خارجی و هم سرمایه‌داران بزرگ داخلی باز گذاشته است.

کارگران خواستار حق اعتصاب، ۴۰ ساعت کار در هفته و... هستند اما قانون اساسی چنین حق را برسمیت نشناخته است.

زمین برای دهقانان اعم از زمین‌های کوچکی که دهقانان روی آن کار میکنند، و یا زمین‌های مالکان بزرگ که نباید تقسیم شود، بلکه با بستی توسط شوراهای دهقانی اداره گردد. و کار برای بیکاران و یا "حق بیمه بیکاری" بدین معنی که دولت موظف است یا کار به بیکاران بدهد و یا "حق بیمه بیکاری" بپردازد نماید... هیچکدام در قانون اساسی احتر برسمیت شناخته نشده است.

آمورش اجباری و رایگان برای نوجوانان. بهداشت و درمان مجاني برای همه افراد ملت. از جمله حقوق مسلم خلق ما است که قانون اساسی آنها را زیر پا گذاشته است.

بنا بر این ملاحظه میکنیم که این قانون اساسی به خواست خلقهای ما پاسخ نمیدهد و بحیرت به پای زحمتکشان. این قانون در واقع دهن کجی میوه چنان انقلاب

رفقا! هواداران!

مادران انتشار پیکار، از نقطه نظر بالابردن تیراژ آن با اشکالات جدی مواجه هستیم، همین امر باعث شده که ما نتوانیم بیکار را با اندازه مورد نیاز تکثیر کرده و در اختیار ر کلیه رفقا و خوانندگان بگذاریم. بهمین علت از آغازتها هم گسترده و ضد مکرر - نیک هیئت حاکمه، یعنی از شهرپور ماه تا کنون بیکار بطور مرتب بدست رفقای هوادار و دیگر خوانندگان نرسیده است و غالباً رفقا مجبورند که آنرا دست بدست بگردانند و مسلماً چنین وضعی باعث گردیده که بیکار

و امثال بهشتی ها به مردم ستم دیده ما ست. و جز این نیز نمی توانست باشد، چرا که طبقه کارگر انتظاری جز این از بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی ندارد. بنا بر دلایل فوق و دلایل مشروح تری که قبل از این نیز، در پیکار بیان پرداخته - ایم، و از آنجا که چنین قانونی را توهین بخلق خود میدانیم و معتقدیم که این قانون خون ۷۰ هزار شهید و یکصد هزار زخمی را که خلق ما در

گشت و توده‌هایی که امروز با ما یهوی و تبلیغات گسترده رادیو و تلویزیون و تبلیغات منبری ها و فتوای مراجع و حتی تهدیدهای ضمنی و غیره و غیره به پای صندوق ها کشیده میشوند، فردا میوه چنان انقلاب و انحصار طلبان قشری و حامیان امپریالیسم را که چنین قانونی را بخورد آنان می - دهند به محاکمه خواهند کشید. آنها از همین امروز جای چنین عملی را

● قانون اساسی ای که بهیچوجه با فروش ضدا امپریالیستی خلق ما و پیکار آنان بر علیه امپریالیسم آمریکا تطابق ندارد، به رفرا دوم گذاشته شد.

باز گذاشته اند! اکثریت آنها منطق ساده و درعین حال با معنی‌ای برای رای دادن دارند، آنها میگویند ما فقط به "اعتبار امام خمینی" و "خواست او" و "خاطر او" رای میدهیم. آری آنان با این استدلال خود درعین حال که توهم خود را نسبت به رهبری مذهبی نشان میدهند ولی مرز بندی خود را با میوه چینی که خبرگان را می - چرخاندند نیز نشان میدهند. آنها صاف و ساده بی اعتمادی خود را به "خبرگان" اعلام میدارند. آنها بسیاری اوقات بدرستی عنوان میکنند که از محتوای قانون خبری ندارند... بنا بر این شمت گیری فعلی خویش را که بر اساس بی - اعتمادی به امثال بهشتی هاست، با صراحت بیان میکنند، به بیان دیگر معنای سخن توده‌ها آنست که آنان یکی یکی افراد و نما بیندگان نی را که نقدت خریدند، با این خواهند کشید، همچنان که با زرگان و یزدی و... را بزرگ کشیدند. هر - چند که این افراد مورد حمایت آیت الله خمینی باشند. و این بیان ساده آن واقعیتی است که امروز در عرصه مبارزه طبقاتی جامعه ما در گذراست.

ادامه دارد...

جریان انقلاب نا تمام خود، در آستانه انقلاب دموکراتیک وضد امپریالیستی اش قربانی کرده است، پایمال میکند. و همچنین به این دلیل که نحوه تشکیل این مجلس را که با زیر پا گذاشتن قول مجلس موسسان، و تقلب و عوام فریبی و اعمال نظریه "حزب جمهوری اسلامی" و شرکاء آن همراه بود - موضوعی که با مدرک و سند و در زمان خود از جانب نیروهای راستین کمونیست و نیروهای انقلابی دیگر به پیشگاه خلق ارائه گردید - قبول نداشتیم، شرکت در رفرا دوم را تحریم کردیم و در طی اعلامیه ۵۸/۹/۶ بطور مشروح آنرا به اطلاع خلق رساندیم.

رفرا دوم در چه شرایطی برگزار میگردد؟

ممکن است هیئت حاکمه از اینکه توانسته است با سوء استفاده از احساسات مذهبی اکثریت توده‌ها و همچنین سوء استفاده از شور و سیخ آنها بر علیه امپریا - لیسم آمریکا تعداد بیشتری را به پای صندوق ها بکشد، تا به محصول "خبرگان" وی رای مثبت دهند، خوشحال باشد.

اما این خوشحالی در آینده ای نه چندان دور به ضد خود بدل خواهد

درخواست از هواداران

بر دلایله رانداشته باشد و پیر و اجسنت که این اشکال به تبلیغ و ترویج مدارس گسترده توده ای لطعات جدی میزند. اما مسلماً این کار راه طلبها - ئی دارد که در راه آنها کمک و یاری رفقای هوادار قرار دارد.

رفقا! ما بدون کمک و یاری شما نمیتوانیم تیراژ پیکار را بالا ببریم بنا بر این از هر طریق که میتوانید ما

را در این کار یاری رسانید. پیشنهاد - اتی که ما در این مورد داریم:

- ۱ - از هر طریقی که میتوانید امکانات چاپی و تکثیر خود را با ما در میان بگذارید تا با رهنمودهای لازم حداکثر استفاده از این امکانات بعمل آید.
- ۲ - هسته‌ها و سلولهای انتشاراتی ایجاد کنید و از این طریق چه بیکار و چه اعلامیه‌ها و تراکت های سازمان را تکثیر کنید.

پیروز باشید

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

اقدام انقلابی

کارگران کارخانه آلیاژ اراک

با آغاز فصل سرما که کار ساختمانی را کند میکند، کارفرمای صدکارگر کارخانه آلیاژ اراک میخواست عده‌ای از کارگران موقت کارخانه را اخراج کند. ولی این توطئه با مخالفت متحدانه کارگران مبارز این کارخانه، عملاً خنثی میگردد. ولی کارفرما دست به حيله کشید دیگری میزند. بدین ترتیب که در شب دوشنبه (۲۱ آبان) بعد از تعطیل شدن کارخانه، کارفرما دستگاها و وسایل حمل و کرایه‌تیمت کارخانه را بایک تریلی از کارخانه خارج میکند تا بدینوسیله کارگران را در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار دهد. ولی در همان شب شورای کارخانه از موضوع با خبر شده و بطور فعال درجاده‌های اطراف و داخل شهر دنبال تریلی (حامل وسایل کارخانه) میگردد که بالاخره آنرا پیدا کرده و راننده را مجبور میکنند وسایل کار را به کارخانه برگرداند. صبح روز بعد که همه کارگران از موضوع باخبر میشوند از این دزدی و قبحانه کارفرما بدست عصابی شده و برای جلوگیری از دستبرد کارفرما در شبهای بعد بدو رنوبتی ۵ نفر از کارگران برای حفاظت دستگاها و کارخانه کشیک میدهند. بعد از این پیروزی کارگران، کارفرما بدست و پافنده و در مذاکراتی که با ششورای کارخانه داشته، در مقابل فشار کارگران قبول میکند حق اخراج و استخدام بعهده شورای کارخانه باشد.

با چنین نمونه‌هایی کارگران خود را هدند که چگونه کارفرمایان به تولید لطمه میزنند اما زمانیکه "شورای انقلاب" بر علیه کارگران مبارز و بیکاران متحصن الدم، بالدم راه می اندازد، از آنجا که حافظ منافع سرمایه داران است این گونه اعمال سرمایه داران را نمی تواند ببیند:

مهمترین سلاح طبقه کارگر

در مبارزه اش علیه

سرمایه دار،

سازماندهی

و تشکیلات است!

در کارخانه دکترا عیبی چه می گذرد؟

کردیم، چون امیدوار بودیم که بعد از انقلاب دارای زندگی بهتری خواهیم شد. ولی کارگران ما عملاً در کارخانه‌ای که در آن کار میکنیم شاهد این هستیم که کارفرما ما با اخراج بیش از یکم نفر از کارگران اداره حق ما را لگدمال میکند. چون همانطور که همه ما میدانیم یک کارگر وقتی که از کارخانه اخراج میشود یعنی اینکه زندگیش نابود میشود، چون غیر از نیروی با زوی خود که مجبور است بطور روزانه کار کند هیچ ذخیره دیگری نداریم و از طرف دیگر اینکار باعث میشود که به سبب بیکاری ما معاف شده شود.

در ضمن این را بگوئیم که کارفرما برای رسیدن به این هدف خود را در از آن آگاهی عده‌ای از کارگران سو استفاده میکند، به این صورت که ما را بجان همدیگر انداخته و اینطور وانمود مینماید که ما اگر اخراج شویم بقیه وضعیتمان بهبود خواهد یافت.

ولی کارگران، ما باید هوشیار باشیم که هر چند شما امروزه برای کار هستید ولی چه بسا ممکن است همین کارفرما فردا شما را هم اخراج نماید. بخاطر همین ما از تمام کارگران می خواهم که با ما همداشته و همکاری نمایند که ما دوباره به سرکار برگردیم.

برادران و خواهران کارگر برای اینکه بتوانیم مشکلات خود را در کارخانه حل ننموده و از اخراج بی دلیل کارگران جلوگیری نمائیم احتیاج به یک شورای واقعی کارگری داریم که بتواند در مقابل این مشکلات از ما دفاع نماید.

کارگران اخراجی

لابراتوار داروسازی دکتر عبیدی

در شماره ۳۰ "پیکار" شرح کامل جریان اخراج حدود صد کارگر از کارخانه داروسازی عبیدی آورده‌یم. در اینجا توجه خوانندگان را به اعلامیه‌ای که کارگران اخراجی مزبور منتشر نموده اند جلب میکنیم. ولی قبل از آن تمحیح اشتباهی را که در گزارش قبلی رخ داده است ضروری می بینیم. اشتباه این بود که در اواخر گزارش "تجمع کارگران کارخانه دکتر عبیدی" آمده است: "در این موقع نماینده کانون به میان کارگران آمد و گفت... در حالیکه صحبتش این بوده است که "در این موقع نماینده حزب جمهوری اسلامی به میان کارگران آمد... با پوش از خوانندگان عزیز و همچنین کانون شورای متحد، اعلامیه کارگران اخراجی داروسازی عبیدی را ملاحظه میکنید:

بنام خداوند دردم کوبنده مستمگران

"در کارخانه عبیدی چه میگردد"

خواهران و برادران کارگر: همانطور که همه شما می دانید در روز شنبه ۵۸/۸/۱۲ توسط راننده‌های سرویسها در موقع بازگشت از کارخانه اعلامیه‌ای خواننده شده که در مجموع متن این اعلامیه بصورت زیر بوده است:

"همه کارگران بخاطر تعمیر کارخانه به مدت ۳ روز تعطیل میباشند ولی بعد از این تعطیلی به خدمت کما تیکه از ۱۵ مرداد استفاده شده اند، خاتمه داده میشود. این عده با تعیین وقت قبلی برای تسویه حساب مراجعه نمایند." کارگران عزیزها منظور که همه ما بخوبی میدانیم ما نقش زیادی در انقلاب داشتیم و خیلی از ما علاوه بر تحمل مشکلات بیکاری و غیره، عده زیادی از ما جوانان خود را از دست داده‌ایم، ولی تمام این ناراحتی‌ها را بادل جان قبول

استاندار گیلان: "لعنت بر این انقلاب!"

کنیم. ما که همه اش غرق در خاک و کثافت هستیم تا شهرات تمیز نگهداریم. ما که ساعت ۳/۵ صبح مشغول کار میشویم ولی قدرت خرید مقداری میوه برای فرزندانمان نداریم... استاندار متحصن را تهدید کرده است در صورتیکه بر سر کار برنگردند از دیپلمه‌های بیکار استفاده خواهد شد. ولی پاسخ کارگر-ان زحمتکش به استاندار اینست که این جوانان آگاه که دولت بهشان مارک خدا انقلاب زده است نان ما را نمی برند، بلکه بکمک ما میثابتند. کارگران خواهستهای خود را طی یک قطعه نامه ۶ ماده‌ای اعلام کرده‌اند.

کارگران خدمات شهری و پارکی میادین و دایره موشوری شهرداری رشت که حدود ۸۰۰ نفر میباشند بخاطر عدم دریافت کمک هزینه به استانداری رفته و در آنجا متحصن شده‌اند در تاریخ ۵۸/۸/۲۲ نماینده آنان به استا-ندار میگوید که ما انقلاب کردیم که بتنه خدائل خواهستهای خود برسیم. استاندار خدا انقلابی باکمال وقاحت و بیشرمی میگوید: "لعنت بر این انقلاب" نماینده کارگران جواب می-گوید: "لعنت بر خودت و جدو آبادت، چرا میگویی لعنت بر انقلاب، بخاطر اینکه در آنرا ما توانسته‌ایم لاف را بادل دمان را بلند

گرامی باد ۱۶ آذر روزیست که جنبش دانشجویان و مبارزات رمانجش خلق



گرامی باد خاطرۀ سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان

باشیز اسامال مصادف است با سالگرد شهادت ۱۵ رفیق و شهیدای قهرمان بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران (س.م.خ.ا.) این رفقا که در دوران سراپا خفقان گذشته، در دورانی که شلاقهای دیکتاتور بورژوازی وابسته ضربات خونین خود را بر پیکر مجروح خلقهای زحمتکش ما فرو میآورد، در دورانی که شاه این دست نشانده امپریالیسم جنایت کار آمریکا می پیداشت که ایران را بصورت جزیره یتیم و بیعت غارتگران بین المللی درآورده است، در دورانی که تنها انقلابیون راستین میتوانند سقوط رژیم و بیسروزی نهائی خلق را درک کنند و تسلیم نشوند، آری این رفقا در آن دوران سیاه همه توان مبارزاتی خود را در کتفه اخلاص نهادند و امید میدادند جز قطع کامل سلطه امپریالیسم، و از گونی رژیم وابسته شاه و بیروزی زحمتکشان در سر پیداشند، آنها یاد کوچک و خیابان آسماج رگبار مسلسل های مزدوران شده، یاد زیر شکنجه های دژخیمان ساواک جان داده و سرود

تمایلات غیر اصولی حماسی بود و با آن مبارزه میکرد.

رفیق سبحان الهی در باشیز سال ۵۴ در سر قرار رابط یک گروه مبارز مذهبی در خیابان هدایت تهران لورفت. دژخیمان پهلوی خبر دستگیری و شهادت رفیق را مسکوت گذاشتند. رفیق با احتمال زیاد پس از دستگیری در زیر شکنجه های سبعانه ساواک بشهادت رسیده است.

آزادی خلق را سردادند

با یاد این رفقای دلیر، دژباز بر خلقی که چنین فرزندان بی ار و دو خود سرانجام با سوارزه و قیام دلاورانه خویش تجربه ای تازه در مقاومت خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و تعالیش در تاریخ پدید آورده، سر تعظیم فرود میآوریم. مادر شماره های قتل یادنامه های چند رفیق شهید را که در باشیز به شهادت رسیده اند آورده ایم و اینک یاد می - کنیم از دیگر رفقای شهیدمان:



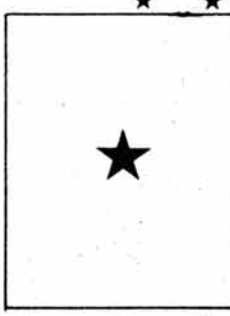
رفیق شهید
صادق فرد نقوی
(مرضی)

رفیق شهید صادق فرد نقوی (مرضی) رفیق مرضی در ناحیه کارگری بخش منشعب از سازمان مجاهدین فعالیت میکرد. در سیم آذر ماه سال ۵۵ که دژخیمان ساواک به منشعب و گشت وسیع و خاندگرددی دست زده بودند نایب خیال جوان با ارسن بردن سرویهای انقلابی حکومت یونانی مدخلی خود را حاد و آهسته! کند رفیق همچون بسیاری از سرویهای رزمنده آن روزها به اسارت پلیس افتاد و در زیر شکنجه جلادان ساواک به شهادت رسید. رژیم جنایت از او اعلام نکرد. یاد رفیق صادق نقوی در دل توده های زحمتکش ما همواره باقی است.



رفیق شهید
هاشم وثیق پور
(لطفی)

خانه ها به ایدئولوژی ایستاده کارگر گراشد. رفیق در ناحیه کارگری بخش منشعب از سازمان مجاهدین به فعالیت خود ادامه داد و در زمینه و انتشار نشریه "قیام کارگر" سهم فعال داشت. در ۱۱ آذرماه سال ۵۴ پس از سالها مبارزه جان فانی در راه رفقای خلق زحمتکش خویش به اسارت جلادان ساواک افتاد و در زیر شکنجه به شهادت رسید. رژیم از او خبری اعلام نکرد. یادش گرامی باد.



رفیق شهید
ابراهیم داور

رفیق شهید ابراهیم داور دانشجوی سابق دانشکده اقتصاد دهران بود و در بخش منشعب سازمان مجاهدین به مبارزه انقلابی خود ادامه میداد. در آذرماه ۵۴ بر سر قرار یک گروه مبارز لو - رفته داشت از سوی آذکشان ساواک شناسائی و دستگیر شد و احتمالاً در زیر شکنجه به شهادت رسیده است. رژیم شاه خبری از او اعلام ننمود. یادش گرامی باد.



رفیق شهید
حسن سبحان الهی
(ستار)

را عملی ساخت و انقلابی بازگشت نموده ها را تضمین نمود و به همین دلیل او در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین به بخش منشعب پیوست. رفیق سبحان الهی از جمله رفقای بود که استنباط و درک عمیقی از اهمیت وجودیک تشکیلات مسلط داشت و بدرستی مبارزه قاطع ویسی - امان با دشمن را جز از طریق یک تشکیلات مسلط امکان پذیر نمیدانست. در این رابطه بود که

رفیق شهید هاشم وثیق پور (لطفی) رفیق در سال ۱۳۲۲ در خانواده ای نسبتاً فقیر در شهر قزوین متولد شد. پس از دیپلم ابتدایی ناگزیر شد ۴ سال ترک تحصیل کرده به کار بپردازد و مخارج خود را تامین کند. دوره دبیرستان را (در عرض ۴ سال) شبانه شبان با برود سرانجام از دانشکده پلی تکنیک در رشته برق فارغ التحصیل گشت. او با درک و روح مجرمان، اختلافات طبقاتی و ستمی که بر زحمتکشان در جامعه طبقاتی ما سرود از نزدیک آشنا بود. کار، مطالعه، مفاقرت و دمجوری با مستخدمان برای او درسهای زیاد داشت. درک طبقاتی و مطالعاتی که میکرد او را به مبارزه کناند و در نتیجه آشنائی با مباحث شهیدان مصر دوست و رفیق شهید محمدحاج نعمت آبادی در سال ۴۷ به سازمان مجاهدین پیوست. با ترس شیرینور سال ۵۵ به این سازمان رفیق مخفی شد. رفیق طی مبارزات انقلابی خویش بویژه کار در کار -

رفیق شهید حسن سبحان الهی (ستار) رفیق دانشجوی سابق دانشکده فنی دانشگاه تبریز بود. او فعالیت تشکیلاتی خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز کرد و جزو گروه های اولیه مجاهدین دستگیر شده بود که در سال ۵۵ دستگیر و همانند دیگر برادران مجاهد تحت شکنجه های حیوانی ساواک قرار گرفت. رفیق در زندان نیز به مبارزه خود با رژیم ادامه داد و به بالابردن آموزش و تجارب مبارزاتی خود پرداخت. پس از آزادی از زندان رفیق سلاطه بد رفقای همزم خود بصورت وزندگی مخفی را آغاز کرد. کوشش رفیق همواره این بود که مسائل شوه ها را عمیقتر درک کند تا بتواند خدمات بیشتری را در راه رفقای آنها انجام دهد. در این راه او مادمفاهه بی برده که تنها در پرتو آگاهی و امان به ایدئولوژی طبقه کارگر است که میسوان رفقای همه زحمتکشان و توده های خلق

**کارکنان بانک پارس
از ارسال حواله ارز
به اسرائیل خودداری کردند .**

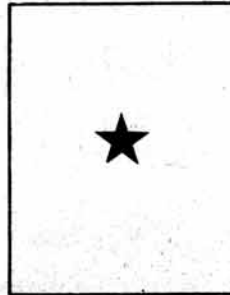
در تاریخ ۲۲ آبان اعلامه‌ای از طرف شورا و سندیکای کارکنان بانک پارس انتشار یافته که در آن ضمن تاکید بر ضرورت تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا یک عمل ارتجاعی ممانعت‌گرا را افشا می‌کنند. آنها در اعلامیه‌شان مینویسند: " اما چگونه انقلاب و اهداف انقلابی ملت به بازیچه گرفته می‌شود و دستوری از بانک مرکزی جهت ارسال حواله ارز به اسرائیل به بانک پارس صادر می‌شود. ازجایی که اهرم سیاستهای بولی و مالی کشور توسط آن اداره می‌شود، چگونه میتوان چنین عملی را توجیه کرد. آیا فراموش می‌شود که اسرائیل غاصب سرزمین فلسطین و دشمن خلقهای تحت ستم جهان است. آیا تصور نمی‌شود هنوز نهادهایی از مسئولین امور خواستار برگشت همان سیستم فعلی هستند. چگونه میتوان بازی کردن با خون هزاران شهید خون خفته خلق را توجیه کرد. مگر ما انقلاب نگردیم (تا) هر گونه رابطه با اسرائیل را اعم از (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) قطع کنیم. مگر انقلاب ما عصیان و مخالفت بر ضد امپریالیسم آمریکا نبود. چرا وقتی هنوز رخمهای ناشی از سلطه امپریالیسم و صهیونیسم بر بیکر این ملت الشام نیافته دوباره به طریق مزورانه یعنی سراسر با آبان می‌شود. " اعلامیه سپس با تحلیل از اقدام انقلابی " کارمند-ان ارز " بانک پارس و اشاره به اعتصاب چند ساعته آنان که سرانجام منجر به آمدن چند نماینده از بانک مرکزی و دستور عدم پرداخت ارز می‌شود، بدین شکل پایان می‌یابد: " ما ضمن افشای این موضوع قویاً هشدار میدهیم که از انجام چنین اعمالی با تمام قدرت خودداری مینمائیم ."



جان مبارزه کرد، همواره گرامی خواهد بود.

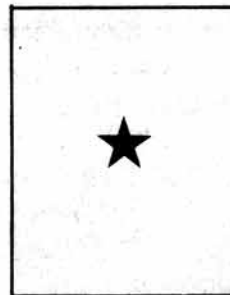


خون این شهیدان عزیز و دیگر شهیدای خلق ناقص سلطه کامل امپریالیسم، نابرابری ایرانی مستقل، آزادی دموکراتیک، نابرابری فراری جمهوری دموکراتیک خلق، نابرابری حکومت کارگران و دهقانان که نیروهای مولده جامعه هستند، می‌جوشد. خون آبهادینی است که ما در راه یک مبارزه آشتی ناپذیر با دشمنان خلق بگردن داریم، و در ادای آن کوچکترین نزدیدی به خود راه نخواهیم داد.



**رفیق شهید
حوریه محسنیان
(صدیقه)**

سروشت خویش را خود بدست گیرد، به اسارت جلادان ساواک، افتاد و در زیر شکنجه عمسال جیره خوار آمریکا به شهادت رسید. یاد رفیق حوریه محسنیان که یکی از خیل زنان انقلابی میهن ماست همواره گرامی خواهد ماند .



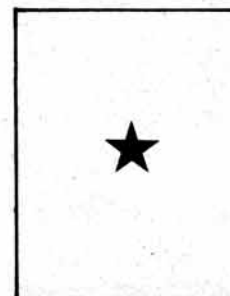
**رفیق شهید
فاطمه تیفکچی
(بهجت)**



**رفیق شهید
احمد
صادقی قهاره
(حسین)**

آمد محمی گردید و شما تا در خدمت مبارزه خلق قرار گرفت. سراسر روحی! طلائعات که در دست است در آذرماه ۵۸ به اسارت دژخیمان ساواک افتاد .

خبرهای بعدی نشان میداد که رفیق در زیر شکنجه جلادان ساواک شهادت رسیده است. یاد این رفیق شوید که ناپای جان به آرمان انقلابی زحمتکشان وفادارمانند مبارزه کرد همیشه گرامی است .



**رفیق شهید
اکرم صادقیپور
(نسری)**

یاد این رفیق شهید نیز که از زنان انقلابی میهن ما بود و همش با برادران و رفقای هم-رزم خویش در راه رهایی زحمتکشان، ناپای

رفیق شهید حوریه محسنیان (صدیقه)
رفیق اهل مشهد و در آموزشگاه بهیاری اس-شهریهار بود. در تابستان سال ۵۴، با احساس وظیفه‌ای که برای خود بعنوان یک روشنفکر انقلابی جهت مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه قائل بود به بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست .
رفیق در آذرماه ۵۵، پس از متجاوزانیک سال مبارزه دشوار در آن شرایط خفقان ، و پس از آنکه تمام نیرو و توان خود را برای رهایی زحمتکشان میهن خود بکار برد و در حالی که امید داشت روزی رژیم شاه و ازگون شود و ملت امپریالیستی آمریکا را از جسد زحمتکشان میهن نابالور کامل قطع کرد و خلق

رفیق شهید فاطمه تیفکچی
رفیق دانشجوی رشته ریاضت شناسایی دانشکده علوم تهران بود. او بعنوان یک روشنفکر انقلابی به بخش منشعب از سازمان مجاهدین پیوست . رفیق در تیرماه انتشاراتی سازمان فعالیت میکرد و در آذرماه ۵۵ طی یک درگیری مسلحانه به اسارت دژخیمان ساواک افتاد و در زیر شکنجه شهادت رسید . رژیم خویشوار شاه هرگز خبری از او منتشر نکرد .

رفیق شهید احمد صادقی قهاره (حسین)
رفیق احمد در سال ۱۳۳۰ در یک خانواده روحانی در شهر قم متولد شد. دوره تحصیلی را در خرم آباد گذراند و سپس در دانشکده پزشکی تهران به تحصیل ادامه داد. رفیق که در سال ۴۲ تلیرعم سن کمی که داشت به فعالیت سیاسی آشنا شده بود با ورود به دانشگاه به فعالیتهای صنفی و سیاسی دانشجویی پرداخت . شروع جشنهای سنگ آلود ۲۵۰۰ مین سال تلطنست و او یکیری فعالیتهای ملکانه فدرویمی و رفیق را از هواداران سازمان مجاهدین ساخت. او کتابخانه اسلامی دانشکده پزشکی را احیا کرد و آنرا بصورت کانونی فعال برای مبارزات دانشجویی و حسابات سازمان مجاهدین در آورد. رفیق در سال ۵۴ ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را پذیرفت و در بهار سال ۵۵ با بخش منشعب از س.م.خ. ا. تماس گرفت و با توجه به اینکه فعالیتهايش برای دشمن لو رفته بحساب می -

رفیق شهید اکرم صادقیپور (نسری)
رفیق اکرم در سال ۵۳ پس از آزادی از زندان بصورت س.م.خ. ا. در آمد و پس از مدتی فعالیت علمی - مخفی، فعالیت مخفی خود را آغاز کرد. رفیق در شاخه کارگری سازمان فعالیت میکرد و در آذرماه ۵۵ که آدمگان ساواک کشته‌ترین شبکه پلیسی خود را برای شکار انقلابیون بوجود آورده بود - شد، در حالیکه برای تخلیه یک خانه تیمی (قبلا لو رفته) در رباط کریم مراجعه کرده بود مورد جمله ایادی ساواک و برخی عناصر فریب خورده قرار گرفت و دست به خود کشی زد .

اکنون دیگر کار در "ساواک" خیانت نیست!!

امروز گذشته از اینکه بسیاری از انجمنهای اسلامی در ادارات، مؤسسات دولتی، کارخانجات، مراکز آموزشی و... قریب الی الله کارساک را انجام داده و عناصر مبارزان را هر ایدئولوژی ای (به خصوص کمونیستها) شناسائی می کنند، هیئت حاکمه نیز برخلاف روزهای اول پس از قیام (که امیرانتظام در مصاحبه های خود خیر باز - سازی ساواک را مبداء) دور از "حاروج حال" دوباره در ساواک را سروسامان میدهد! بطوریکه در بعضی از ادارات و مؤسسات دولتی **واحد حفاظت با نام** "واحد حر است" شروع بکار کرده است. خبر ریزر نمونه دیگری است از رارسازی ساواک.

مدتی قبل سکی از گهبا نان ساواک منحل تلقی شده و ارا و جوان سته میشود که با نفی خدمت خود را در ساواک با خرید کرده و با رهنشسته شود، که در این صورت حقوق ماهانه ۱۵۰۰ تومان بوی داده خواهد شد، یا اینکه مجدداً خدمت برگردد. در ضمن به او گفته میشود: "اکنون دیگر مثل سابق کار شما خیانت نیست، بلکه در صورت موافقت در راه خدا و مردم فعالیت خواهد کرد!"

تحصن سپاهیان در بندرانزلی

سپاهیان دانش منقذی خدمت متحصن در اداره آموزش و پرورش بندرانزلی در رابطه با خواسته هایشان که سلب احقاق آنها به تحصن دست زده اند، اعلامیه شماره یک خود را منتشر کرده اند که متن کامل آن را در زیر ملاحظه میکنید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اعلامیه شماره ۱

ان الله لا یغیر و ما بقوما حتی ینقر و ما بانفسهم بدستیکه خدا سر نوشت قومی را تغیر نمی دهد مگر آنکه آن قوم یا خود را بخواهند مردم مبارز و آزادی ما سپاهیان دانش منقذی خدمت بندرانزلی در جهت پیشبرد و بشهرتین انقلاب و تنفیذ احکامات، آموزش و پرورش شیروان به تحصن نشسته ایم زیرا عده ای از سپاهیان (به تعداد ۳۱ نفر) جهت استخدام کادر آموزشی آموزشگاری روستاهای این شهر با ضوابط نادرستی انتخاب شده اند.

حال آنکه احتیاجات روستایان شهر ما بیشتر از اینها است - ما اعتراض نموده نفعی از نماند خود را بر سر راه و نفعه های دیگر را جهت اصلاح غیرم در سراسر کشور مثل رادیو و تلویزیون و خشونت و ستم اهر رسانندیم. از آنجائیکه بعد از اعلام خواسته های ما بشهرتین انمان هیچ گونه جواب و تمسک عملی در مدت هجده روز تحصن ما صورت نگرفت اقدام به بستن اداره آموزش و پرورش به بندت نامعلوم نمودیم.

تا خواهش های ما بمان رسیدگی شود. حال قدرت حق و ناحق بودن خواهش های ما شناخت حواسیه بدین بدن شرح اند:

۱ - کسبه کسانی که از ۲۵ سال بیشتر سابقه خدمت دارند باید باز نشسته شوند تا از نیروی بدن و حیران استفاده کرده و از تورم بیماری به اندازه قابل ملاحظه ای کاسته شود.

۲ - سپاهیان منقذی خدمت (پسر و دختر) این شهرستان باید هتاهت با شیروانهای دیگر استخدام شوند. یعنی استخدام در ده های سپاهی نظری اقدام میگرد که بیماری در سراسر کشور از آن دوره ها شروع شده باشد.

۳ - از آنجائیکه اداره آموزش و پرورش بندرانزلی احتیاج به معلم بیشتر یعنی بیش از سهمیه ای که فرستاده شده (۳۱ نفر) اداره باید در تعداد سبیه نسبی تجدید نظر بعمل آید و بنده آن افزوده گردد. تا اکثریت سپاهیان جذب شوند.

سپاهیان دانش منقذی خدمت متحصن در اداره آموزش و پرورش بندرانزلی

تهدیدهای محتضرانه امپریالیسم امریکا

امریکا، سیستم آمریکا، خلق های قهرمان ما را به مداخله نظامی در ایران تهدید میکند! ستار خوب! اما این غارتگران و حنایتکاران حرفه ای و بین المللی باید بدانند که خلقهای مبارز ما در سبای بحره مبارزات و پیروزی خلق ویتنام را خوبی فرا گرفته اند. اگر ویتنام قهرمان شالیزارهای برنج را به گورستان تجاوزگران امپریالیسم آمریکا تبدیل نمود، کشورهای سارز ما به همراه سایر خلقهای منطقه گورستانی به وسعت تمامی منطقه خاور میانه برای امپریالیسم آمریکا و استنگان و همدستان داخلی اش تدارک دیده اند.

مرگ برای امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران! نابودبا سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران! پرتوان با دمبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلقی!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مستحکم باد پیوند رزمجویانه خلقهای ایران و فلسطین

خلقهای ایران و فلسطین با همبستگی با فلسطین خطاب به رهبری انقلاب فلسطین میخیزد است؛
بازار بازرگانیات فرمانده کل نیروهای
انقلاب فلسطین - بیروت

بمساحت ۲۹ نوامبر روز جهانی همبستگی
با خلق فلسطین، کمترین درودهای ما را
ببخشید. روابط دیرینه مبارزاتی بین
خلقهای ایران و فلسطین در راه مابودی
منگشود امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع
امروز سراز هر زمان دیگر مستحکم است.
خلقهای شهرمان ماضی سالیها مبارزات سختی
با بدتر خود از پشتیبانی بدتر ارتجاع
فلسطین برخوردار بوده اند امروز که خود
به دستاوردهای مهم در انقلاب دمکراتیک
و بنام امپریالیستی ایران نائل آمده و برای
جلوگیری از ناتمام ماندن انقلاب و جهت
ادامه آن، مبارزه خود علیه امپریالیسم
آمریکارا اوج و عمق و شدت بخشیده اند.
وظیفه خود میدانند که در کنار انقلاب فلسطین
و با همبستگی هرچه عمیقتر با مبارزات خلق
شما امر مبارزه ضد امپریالیستی، ضد
صهیونیستی و دترتجائی در سراسر منطقه
را تا سرزوری بیخایی خلقهای ایران و عرب
سنگرانه ادا نه دهند.

ما ضمن اعلام همبستگی مجدد:
- توطئههایی را که علیه انقلاب فلسطین از
سوی کارتر، یکن، سادات و ارتجاع عرب
طرحگیری و پیاده میشود محکوم میکنیم.
- تلاشهای رژیم اسرائیل را در شناختن
بسی خلقهای لبنان و فلسطین محکوم کرده
به حسن منبرنه لبیان که همراه شما
و در یک سنگر علیه صهیونیسم و دست راستی
های لبنان می جنگد درود میفرستیم.
- از مبارزه خلق نمادر داخل بر زمینهای
اشغالی و خارج از آن جهت آزادی کامل
میهن و ایجاد دولت دمکراتیک فلسطین
پشتیبانی نموده ما زمان آزادی فلسطین
را تنها نماینده خلق فلسطین میدانیم.
ما معتقدیم که نیرو عادلانه خلق
فلسطین تا پیروزی نهائی از پشتیبانی هم
بیداران راستین و استراتژیک انقلاب فلسطین
که همانا نیروهای مترقی و زحمتکشان جهان
میباشند همواره برخوردار خواهد بود.
" هرچه استوارتر باد پیوند انقلابی بین
خلقهای ایران و فلسطین "

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۸ آذرماه ۵۸)

فرمانداری آبادان حافظ منافع شرکت های آمریکائی!

وارد عمل شده و طبق بخشنامه ای که ملاحظه
می شود، اعلام کرده است که باید تسهیلات لازم
در جهت خارج کردن دکلها و ابزار و ادوات فراهم
شود. شرکت ستافه که یک شرکت آمریکائی
است، طی سالیان دراز از طریق استعمار
نیروی کارگران ایران، میلیونها دلار از
ارز کشور خارج کرده است و اقدام فرماندار
آبادان در این مورد (اجازه خارج کردن
دکلها و ابزار و ادوات) در مقابل خواستههای
برحق کارگران مبارز میسر نشده است. دکلها،
یک مورد استثناء و غیر طبیعی نیست بلکه کاملاً
در چهار چوب سیاست و عملکرد استثنائی رژیم
کنونی قرار دارد. رژیم که بجای مبارزه با
امپریالیسم که خواست نموده است بدلیل
ما هینش تمام کوشش و تلاش در این است که
مبارزه ضد امپریالیستی خلق را منحرف کند و
به انحاء گوناگون سعی میکند تا نظیر بروری
امپریالیستیهای جاسنکار بریزد.

همانطور که در سند زیرین مشاهده میشود،
فرمانداری آبادان ضمن بخشنامه ای خروج
دکلها و ابزار و ادوات شرکت ستافه را بلا مانع
اعلام کرده است. تمام کارگران مبارز صنعت
حفاری میدانند که شرکتی چون شرکت
ستافه طی سالیان درازی چگونه خون کار
گران ایرانی را مکیده و از این راه سودهای
سرمای آوری را بدست آورده است. شرکتی
حفاری که بدلیل نیاز راجت طلبانه کارگران
مبارز و تن ندادن به روابط و مواظب رژیم
وابسته به امپریالیسم شاه خائن، روبرو
شده است، بتدریج عملیات حفاری را متوقف
کرده و شروع به خارج کردن دکلهای خود
نموده است. کارگران مبارز شرکتی حفاری،
بدعمالت ای این اقدامات نددکارگری که منجر
به بیگاری حراران نکرکارگر میشود مخالفت
کرده و جلوی کار آنها را گرفته اند.
فرمانداری آبادان در پی این اقدامات
از طریق ژاندارمری و دیگر نیروهای سرکوبگر،

استاداری خوزستان

فرمانداری آبادان

فرماندهی ناحیه هنگ ژاندارمری خوزستان

بر اساس گزارش شماره ۵۱۳۳/۵/۵۸ مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۸ اداره روابط
مناطق نفتخیز - شرکت ملی نفت ایران چون قرار دارد شرکت حفاری سنتانه با شرکت
ملی نفت خانه یافته و لذا شرکت مزبور مجاز است دکلها و ابزار و ادوات مربوط را به
خارج منتقل نماید.

موافقت است به موافقت اختیار (کلیهها - پلیس راه ژاندارمری و غیره)
دستور فرمائید در مسیر انتقال دکلها به بنادر آبادان و بوشهر چنانچه مجوز لازم از
طرف شرکت ملی نفت و مکررات منطقه ارائه گردید در کار انتقال دکلها جلوگیری
نمایند و ضمناً در مسیر انتقال تسهیلات لازم فراهم گردد. ۵/

محمد مهدی قاضی
معاون امورات عامه

۲۷۱۱۰

گروندگان رونوشت :

- ۱- استانداری بوشهر جهت استعمار و ایجاد تسهیلات در امر خروج دکلها
- ۲- شرکت ملی نفت ایران - اداره روابط مناطق نفت خیز جهت آگاهی و اجرای
تعمیرات نسبت به مالیات کارگران سنتانه
- ۳- شرکت حفاری سنتانه جهت اطلاع و اقدام لازم نسبت به انتقال دکلها به بنادر
مربوطه
- ۴- دتزامرات اجتماعی جهت اطلاع
- ۵- پلیس راه ژاندارمری جهت اطلاع ۵/

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر